

در مسیر
پیشرفت

خصوصی سازی

خلاءها
چالش‌ها
راهکارها

قرارگاه ملی مبارزه با مفاسد اقتصادی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خصوصی سازی

قرارگاه ملی مبارزه با مفاسد اقتصادی

گردآورندگان:

علیرضا رحیمی اقدام

آرمین سعیدی



fesadsetiz.ir

شناسنامه

نام اثر: خصوصی سازی
گردآورندگان: علیرضا رحیمی اقدم - آرمین سعیدی
صفحه آرا: معین الاسوند
تیراژ: محدود
قطع: وزیری
تعداد صفحات: ۶۷ صفحه
نوبت چاپ: چاپ اول - سال ۱۴۰۱
سایت: fesadsetiz.ir
شبکه‌های اجتماعی: @fesadsetiiz , @fesadsetiz_ir



۰۲۱-۶۶۴۰-۸۷۳۰
۰۹۳۸-۹۳۰-۲۳۵۸



هرگونه کپی برداری تنها با ذکر منبع مجاز می‌باشد.

فهرست

مقدمه	۵
مفهوم خصوصی سازی	۷
تاریخچه خصوصی سازی در جهان	۸
دلایل روی آوردن کشورهای جهان به سمت خصوصی سازی	۱۱
تاریخچه خصوصی سازی در ایران	۱۲
روش‌های خصوصی سازی	۱۲
مزایای و معایب خصوصی سازی	۱۳
اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران	۱۶
سیاست‌های کلی اجرای اصل ۴۴	۱۷
قوانین حوزه خصوصی سازی در ایران	۲۵
ساختار سازمان خصوصی سازی	۲۸
نمای کلی از وضعیت خصوصی سازی در کشور	۲۸
دسته‌بندی واگذاری‌های انجام گرفته	۲۹
تفکیک نوع واگذاری‌ها	۲۹
تفکیک حجم واگذاری‌ها	۳۰
دسته‌بندی فعالیت‌ها در خصوصی سازی (مطابق ماده ۲ قانون اصل ۴۴)	۳۰
تفکیک تعداد گروه‌بندی‌ها	۳۲
تفکیک گروه بندی واگذاری‌ها	۳۲
مراحل فرآیند واگذاری	۳۳
روش کلی واگذاری	۳۳

- ۳۴ تفکیک روش‌های واگذاری‌ها
- ۳۵ اهلیت سنجی
- ۴۱ عمده تخلفات در فرآیندهای خصوصی سازی
- ۵۳ ترک فعل نهادها و سازمان‌های نظارتی
- ۶۱ کشت و صنعت مغان

مقدمه

در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی و بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی چهره اقتصاد کشور تا حدود زیادی دگرگون گشت و دخالت دولت در فعالیتهای اقتصادی کشور افزایش یافت. بر اساس قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران) مصوب ۱۳۵۱ (تصدی بسیاری از واحدهای بزرگ اقتصادی به دولت محول گردید و بر تعداد صناعی که تحت مالکیت دولت درآمدند به شدت افزوده شد. مالکیت دولتی نه تنها تمام شرکتهای تولیدکننده کالاها و خدمات عمومی همچون آب، برق، گاز و مخابرات را در بر گرفت بلکه راه آهن، هواپیمایی، کشتیرانی، صنایع بزرگ و متوسط، شبکه‌های پولی و مالی، انحصار واردات بسیاری از کالاها و حتی شبکه‌های توزیع خرده فروشی کالاها را نیز در اختیار خود قرار داد. در چنین شرایطی، کاهش تدریجی قدرت خرید درآمدهای نفتی و افزایش جمعیت کشور در کنار بروز نتایج عملکرد نامطلوب اقتصادی - مالی شرکتهای دولتی و محدودیتهای مالی دولت برای اداره و تصدی فعالیتها ضرورت تغییر در شیوه مدیریت اقتصادی کشور را اجتناب ناپذیر ساخت.

مقام معظم رهبری در راستای افزایش ظرفیت اقتصاد ملی با استفاده از رویکرد بخش خصوصی در اقتصاد در کنار بهبود شاخصه‌های عدالت اجتماعی، سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی را ابلاغ فرمودند و در همین راستا تلاش برای تحقق سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی را به دلیل تقابل با خواست دشمنان در ضعیف نگه داشتن اقتصاد و در دست داشتن اهرم فشار اقتصادی نوعی جهاد خواندند و موفقیت در دستیابی به آن سیاستها را انقلاب اقتصادی نام گذاری فرمودند و با روشن نمودن مسیر اقتصادی کشور، سیطره ۱۱ ساله دولت‌ها در ایران از انحصار

اقتصادی که نیازمند مهندسی مجدد است و همچنین باز تعریف نوینی از ساختارهای اقتصادی را آشکار فرمودند.

در اصل ۴۴ قانون اساسی تصریح شده است که نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه ریزی منظم و صحیح استوار است. بخش دولتی را صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه و تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ راد یو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه آهن و مانند این‌ها دانسته که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است.

با توجه به این که هدف این اصل رشد و توسعه اقتصادی کشور معرفی شده است، همچنین با توجه به سایر اصول اقتصادی در قانون اساسی نظیر اصل ۴۳ که تأکید بر پرهیز از انحصارات دولتی بر فعالیتهای اقتصادی دارد در سال‌های گذشته برای اجرای آن ابهاماتی وجود داشت که نیازمند تغییر در برخی اصول، تفسیر قانون و یا ارائه سیاست‌های کلی از سوی مقام معظم رهبری جهت ارائه طریق و روشن کردن مسیر حرکت در راستای دست یابی به رشد و توسعه اقتصادی کشور بودیم که راه سوم برگزیده شده است.



مفهوم خصوصی سازی :

گرچه گفته می‌شود که تعریف واژه "خصوصی سازی" کار بسیار مشکلی است اما در هر حال دو معنای محدود و گسترده برای این واژه وجود دارد. خصوصی سازی در معنای محدود خود عبارت است از واگذاری دارایی‌ها و شرکت‌های دولتی و عمومی به بخش خصوصی به طور کلی و یا شریک کردن آنها در این دارایی‌ها و شرکت‌ها.

معنای خصوصی سازی در مفهوم گسترده آن بسیار وسیع‌تر از واگذاری دارایی‌ها و شرکت‌های دولتی و عمومی به بخش خصوصی است و بر واگذاری فعالیت‌ها و تصدی‌گری‌هایی که قبلاً به طور انحصاری در اختیار دولت و بخش عمومی بود دلالت می‌کند. به عبارت دیگر معنای واژه خصوصی سازی در طیفی قرار دارد که هدف آن اجرای شیوه‌ها و سیاست‌هایی برای افزایش نقش نیروهای بازار آزاد در اقتصاد ملی کشورها از طریق ترتیبات مختلف می‌باشد.

منطقی که فرآیند خصوصی سازی بر پایه آن استوار شده این است که انتقال تصدیها و فعالیت‌ها در زمینه‌های تولید کالا و ارائه خدمات از بخش دولتی و عمومی به بخش خصوصی به علت گسترش رقابت و ایجاد شفافیت، باعث افزایش کارایی عوامل تولید و تخصیص بهینه منابع می‌شود.

همچنین گسترش خصوصی سازی موجب گسترش مالکیت بخش خصوصی و در نتیجه مشارکت بیشتر شهروندان در اداره امور جامعه می‌شود و منابع بخش خصوصی برای پیشرفت جامعه را در کنار منابع محدود دولت قرار می‌دهد. البته نیل به این مقصود با سازوکارهایی که کشورهای مختلف برای اجرای برنامه‌های خصوصی سازی خود تدوین می‌کنند و نیز نظارت دقیق بر اجرای صحیح آنها ارتباط نزدیکی دارد.

با توجه به این که موضوعیت واژه خصوصی سازی به وجود دو عرصه عمومی و خصوصی وابسته است. نقل و انتقال دارایی‌ها یا واگذاری تصدی‌ها بین سازمانهای موجود در هر کدام از این دو بخش خصوصی سازی نیست. به عنوان نمونه واگذاری یک سازمان و شرکت دولتی به یک نهاد عمومی مستقل خصوصی سازی تلقی نمی‌گردد.

تاریخچه خصوصی سازی در جهان:

واحدهای مدرن تولیدی و تجاری همزمان با تحولات فکری و فرهنگی، پس از قرون وسطی در اروپا بوجود آمدند. در قرن ۱۶ شواهد کاملی بر ظهور شرکتهای سهامی در انگلستان وجود دارد؛ تشکیل شرکت سهامی روس در سال ۱۵۵۳ یک نمونه مهم در این زمینه می باشد. تاسیس شرکت هند شرقی و سپس در حدود سالهای ۱۶۰۰ بانک انگلستان به صورت شرکت سهامی، گسترش این نوع شرکتهای را عمومیت بخشید. در اوایل قرن ۱۸ خرید و فروش اوراق قرضه دولتی و سهام معمول می گردد و در سال ۱۷۷۳ بازار بورس لندن به صورت رسمی آغاز بکار می کند. در سال ۱۸۶۲ با تصویب قانون شرکتهای، مفهوم جدید شرکت با مسئولیت محدود رسمیت می یابد. همزمان با توسعه فعالیتهای بخش خصوصی واحدهای بخش عمومی نیز رشد می یابد. نیازهای مردمی و ضرورتهای اجتماعی ایجاب می نمود تا نهادهای دولتی برای ارائه خدماتی مانند پست، آتش نشانی، نظامی و انتظامی و خدمات مربوط به شهرداریها شکل بگیرند. بسیاری از خدمات عمومی به ویژه در کشورهای پیشرفته توسط بخش خصوصی بوجود می آیند و توسعه می یابند.

با پایان یافتن جنگ اول و به طور مشخص از دهه ۳۰، لیبرالیسم به مفهوم دخالت بیشتر دولت در امور اقتصادی به مرحله عمل در می آید و با گسترش تقاضا و بهبود خدمات عمومی و رفاهی، از بین بردن بیکاری و ایجاد تحرک در نیروهای بالقوه اقتصادی موفقیت چشمگیری بدست می آورد. به این ترتیب حوزه مالکیت دولت گسترش می یابد و بسیاری از صنایع و فعالیتهای اقتصادی در اروپا و به ویژه در ایتالیا ملی اعلام می گردد. گرایشهای ملی کردن تعریف جدیدی از حقوق مالکیت را در کشورهای سرمایه دارای ارائه می دهد. با پایان یافتن جنگ جهانی دوم، بخشهای وسیعتری از صنایع و خدمات ملی می شوند. در ایتالیا بسیاری از بانکهای سرمایه گذاری و صنایع وابسته به آنها زیر نفوذ مستقیم دولت قرار می گیرند. در انگلستان شرایط سیاسی پس از جنگ دوم این فلسفه را حاکم می سازد که نتیجه و ثمره صنایع اساسی باید فراگیر باشد و در نتیجه با عنوان تکامل سوسیالیسم، بانک انگلستان، صنایع زغال سنگ، هواپیمایی، راه آهن، راههای ارتباطی، گاز، صنایع آهن و فولاد و الکتریسیته ملی اعلام می گردند و در دهه ۷۰ دولت سهام خود را در شرکتهای ماشین سازی و حمل و نقل افزایش می دهد. در فرانسه نیز ملی کردن در سطح وسیع صورت می گیرد. آغاز ملی کردن در اواخر دهه ۱۹۳۰ با ملی شدن کارخانههای اسلحه سازی و هواپیماسازی صورت می گیرد. در بین سالهای ۱۹۴۷-

۱۹۴۴ برنامه اصلی ملی کردن عملی می‌گردد و صنایع الکتریسیته، زغال سنگ، ماشین‌سازی رنو، بانک فرانسه، بانکهای دیگر و شرکتهای بیمه ملی می‌شوند و دولت به تدریج بزرگترین سهامدار در صنایع آهن، نفت، شیمیایی، ساختمان، هواپیمایی و ارتباطات می‌گردد.

آخرین موج ملی کردن در بین سالهای ۱۹۸۱-۱۹۸۲ با انگیزه کاملاً سیاسی صورت می‌گیرد و بیش از ۷۰۰ هزار شغل را به بخش عمومی انتقال می‌دهد. در اواخر دهه ۱۹۷۰ مجموعه صنایع و خدماتی که توسط دولت بوجود آمده بود، همراه با صنایع ملی شده، بخش عمومی را بسیار گسترده‌تر و وسیع نمود.

در یک گزارش از صندوق بین‌المللی پول، بین سالهای ۱۳۷۷-۱۳۷۴ سهم سرمایه‌گذاری بخش عمومی در ۷۷ کشور با اقتصاد مختلط حدود ۱۳.۴ درصد برآورد شده بود و این رقم برای کشورهای جهان سوم بیش از ۲۰ درصد بوده است. این برآوردی خوشبینانه و کاملاً پایین، از گستردگی حوزه فعالیت‌های اقتصادی دولتی می‌باشد؛ به طوری که در اوایل دهه ۱۹۸۰ گزارش میزان سرمایه‌گذاری‌های ثابت در ایتالیا و فرانسه را بیش از ۵۰ درصد کل ذخیره سرمایه در این کشورها برآورد می‌نماید؛ در حالی که این صنایع کمتر از ۲۵ درصد از نیروی کار شاغل را در اختیار داشته و بر تکنولوژی سرمایه‌بر تاکید داشته‌اند.

در سال ۱۹۷۵ وزارت دارایی ژاپن تعداد کارکنان شرکتهای بخش عمومی را ۹۰۰ هزار تخمین می‌زند و در سال ۱۹۸۱ تعداد این شاغلین در ایتالیا برابر ۱.۳ میلیون نفر و رقم مشابه برای انگلستان به ترتیب ۱.۶ و ۲.۴ میلیون نفر بوده است.

خصوصی‌سازی شرکتهای دولتی سیاستی است که با آشکار شدن مشکلات ناشی از فعالیت‌های غیرکارآمد شرکتهای دولتی در طول دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ در سطح وسیعی در بسیاری از کشورهای جهان به ویژه کشورهای در حال توسعه به اجر درآمد.

از بعد دیگر مهمترین عوامل گرایش به سوی خصوصی سازی در کشورهای جهان، کسری بودجه دولتها، نرخ بیکاری بالا، عدم توازن در تراز پرداختها، نبود کارایی در فعالیت‌های اقتصاد دولتی و کم بودن وصول مالیات از شرکتهای دولتی به دلیل نبود کارایی می‌توان اشاره کرد. این عوامل باعث شد تا دولتهای کشورهای مختلف در جهت واگذاری شرکتهای دولتی اقدام کنند. بدین منظور دولتها با توجه به جو اقتصادی جامعه و همچنین وضعیت شرکتهای از روشهایی همچون

عرضه عمومی سهام، فروش مستقیم، واگذاری به مدیران و کارکنان، فروش دارایی‌های شرکت یا قراردادهای مدیریتی و اجاره در جهت واگذاری شرکتها استفاده کنند.

با نگاهی گذرا به مراحل واگذاری در اکثر کشورها، می‌توان به روشنی فهمید که همه کشورها قبل از واگذاری زمینه‌های لازم برای موفقیت این امر را مهیا نمودند. در همه کشورهای قبل از اقدام برای واگذاری، تجدید ساختار شرکتها از لحاظ مالی و مدیریتی انجام شد، اهداف غیراقتصادی حذف و پیش‌بینی‌های لازم برای مشکلات اشتغال در نظر گرفته شد، قانونگذاری لازم برای تسهیل در امر واگذاری وضع و تعهد کامل سیاسی از طرف دولت به منظور حمایت‌های لازم از بخش خصوصی داده شد. قبل از اقدام برای واگذاری، تمام دارایی‌های شرکت‌های قابل واگذاری ارزش یابی و بزرگترین سهامداران مستقل خصوصی‌سازی تشکیل گردید.

این امر در سطح کلان اقتصادی پیامدهای منفی نیز به همراه داشت که هم در بخش دولتی و هم در بخش خصوصی برای شرکتها تبعاتی را به بار آورد. در بسیاری از موارد اصطلاحات جزء تفکیک ناپذیر برنامه‌های تعدیل ساختاری بود که بر خصوصی‌سازی شتابان تاکید داشتند نه خصوصی‌سازی که کارایی و ارزش خالص را افزایش دهد. با توجه به این سلسله اوضاع، ملاحظات مربوط به کارایی برای بسیاری از دولتها آنقدر اهمیت نداشت که ضرورت غلبه بر موانع منابع داشت.

به طور کلی در بسیاری از کشورها که برنامه‌های تعدیل ساختاری را پشت سر گذاشته‌اند، چارچوب اقتصادی وسیع‌تری که در آن خصوصی‌سازی صورت گرفته، تغییر کرده است و این یک عامل مهم تاثیرگذار بر خصوصی‌سازی در برخی کشورها بوده است. هر جا که این چارچوب وسیع‌تر اقتصاد کلان تغییر نیافته است، تاثیر نتایج خصوصی‌سازی بر عملکرد بنگاه‌های دولتی نامعلوم می‌باشد.

سقوط کمونسیسم در اقتصادهای برنامه‌ریزی شده و تفکر مجدد در مورد نقش مالکیت دولت در اقتصادهای بازار آزاد منجر به خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی در دو دهه گذشته شده است. از آنجایی که خصوصی‌سازی در سال‌های اخیر افزایش یافته است برای سیاست‌گذاران مناسب است که از برخی از تغییرات مهم در روند خصوصی‌سازی در جهان اطلاع پیدا کنند.

تعداد کشورهایی که عمل خصوصی‌سازی را انجام داده‌اند از ۱۳ عدد در سال ۱۹۸۸ به ۳۴ کشور در سال ۱۹۹۱، ۴۷ کشور در سال ۱۹۹۳ و ۴۳ کشور در سال ۱۹۹۵ بالغ شده است. اما ارزش

متوسط خصوصی سازی به صورت درصدی از GDP پایین و این سهم از کمی بیشتر از ۰.۴ درصد در سالهای ۱۹۸۸-۱۹۹۱ به حدود ۰.۵ درصد در سالهای ۱۹۹۲-۱۹۹۵ رسیده است.

در سال های ۱۹۸۸-۱۹۹۵ بیشترین سهم خصوصی سازی را کشورهای آمریکای لاتین و حوزه کارائیب (با ۴۶ درصد سهام) و پس از آن آسیای شرقی (با ۲۵ درصد سهم) و اروپا و آسیای مرکزی (با ۱۷ درصد سهم) به عهده داشته اند. بخشهای مربوط به انرژی و مخابرات بیشترین بخش هایی بوده اند که در مورد آنها خصوصی سازی اعمال شده است.

دلایل روی آوردن کشورهای جهان به سمت خصوصی سازی:

۱. فشارهای مالی: برای مثال وجود بدهی های کشورهای در حال توسعه (داخلی و خارجی) که دولت ها سعی در کاهش بار مالی بخش عمومی دارند. طبق گزارش بانک جهانی نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی طی سال های ۱۹۸۸ - ۱۹۷۵ که سال های آغازین خصوصی سازی برای کشورهای در حال توسعه تلقی می شود از ۱۵/۷ درصد به ۴۲ درصد افزایش یافته است که تقریباً دو برابر شده است.
۲. عملکرد ضعیف بخش عمومی: از جمله دلایل افزایش بدهی دولت های جهان سوم، عملکرد ضعیف بخش عمومی از جمله ناکارآمدی، زیانده بودن، سربار بودن بودجه عمومی، کیفیت نازل خدمات، عدم تحقق اهداف از پیش تعیین شده و ... بوده است که به همین دلیل حل مشکل در خصوصی سازی دیده شده است.
۳. توسعه بخش خصوصی: در طی زمان به ویژه در آمریکای لاتین و آسیا، کارفرمایان توانمندی ظهور یافتند و با توجه به بازارهای سرمایه توانا و توسعه یافته در برخی از این کشورها و توانمندی بخش خصوصی، نیاز و اتکای کمتری به بخش خصوصی احساس شد و یکی از دلایل روی آوردن این کشورها به سمت خصوصی سازی تلقی می شود.
۴. اثر گذاری نمونه های موفق: برای نمونه فروش بیش از ۳۰ شرکت دولتی در انگلستان و افزایش قابل توجه سهامداران و در نتیجه کامیابی های این کشور در زمینه خصوصی سازی الگویی برای برخی کشورها تلقی می شود.

تاریخچه خصوصی سازی در ایران:

در کشور ما هم سیاست خصوصی سازی پیش از انقلاب با واگذاری سهام به کارگران و سهامی شدن آنها در سود کارخانجات و برای تغییر رویکرد دولت به صنعتی شدن در عرصه های مختلف و در چارچوب یک اصلاح اجتماعی به اجرا گذاشته شد. اندیشه خصوصی سازی در ایران در پی عدم تحقق پیش بینی هایی که از تاسیس شرکت های دولتی در ایران انتظار می رفت در سال ۱۳۶۲ مطرح شد، اما اتفاقاتی از جمله جنگ عراق علیه ایران و تحریم های اقتصادی مانع اصلی اجرای این سیاست ها شد. اما بعد از جنگ این مساله در سر لوحه کارهای دولت قرار گرفت و با توجه به اصول ۱۳۴ و ۱۳۸ قانون اساسی و با توجه به بندهای ۳۷-۴، ۱-۸، ۲-۸، ۳-۸ برنامه اول (۱۳۷۲-۱۳۶۸) توسعه به طور رسمی دنبال شد

روش های خصوصی سازی:

متداول ترین روش هایی که برای این سیاست وجود دارد عبارتند از:

۱. **عرضه سهام به عموم مردم:** روشی خوب جهت اشاعه مالکیت است به شرطی که شرکت، دارای سود دهی خوب و قابل اتکا باشد. همچنین بازاری که سهام به آن عرضه می شود باید دارای نقدینگی لازم جهت جذب سهام عرضه شده باشد و بازار سهام و اوراق قرضه توسعه یافته و کارآمد باشد و بتواند وظایف بورس را در چارچوب قانون انجام دهد.
۲. **عرضه سهام به گروه های خاص،** ممکن است با سوءاستفاده هایی همراه باشد و مفهوم آن این است که واحد مشمول واگذاری به یک بخش حقیقی یا حقوقی معین داده شود.
۳. **تفکیک واحدهای مشمول واگذاری به واحدهای کوچک تر و واگذاری مالکیت یا مدیریت،** در حالتی اتفاق می افتد که امکان عرضه سهام وجود نداشته باشد و دولت به شدت نیازمند منابع مالی باشد.
۴. **جلب مشارکت بخش خصوصی در سرمایه گذاری جدید مورد نیاز واحدهای دولتی** زمانی کاربرد دارد که واحدهای دولتی آن قدر بزرگ و گران باشند که توان خرید

بخش خصوصی در خرید آن پایین باشد. اگر هدف کاهش انحصار باشد این روش روشی مناسب است و همچنین در زمانی که دولت قصد دارد بخشی از یک واحد را خصوصی کند، این روش کارآمد خواهد بود.

۵. **عقد واگذاری مدیریت یا اجاره دارایی‌ها:** زمانی کاربرد دارد که دولت احساس کند توان سودآور کردن بنگاه را ندارد. این روش معمولاً یک سیاست کوتاه مدت و میان مدت تلقی می‌شود که راهکاری مناسب جهت سیاست‌های بلند مدت خصوصی‌سازی تلقی می‌شود.

مزایا و معایب خصوصی سازی:

مزایا:

۱. **بهبود کارایی:** بحث اصلی خصوصی‌سازی این است که شرکت‌های خصوصی با انگیزه کسب سود بیشتر، با توجه جدی به استفاده بهینه از منابع، هزینه‌ها را به صورت قابل توجهی کاهش می‌دهند و از این رهگذر کارایی بالاتری را به ثبت می‌رسانند. برخلاف صنایع دولتی که معمولاً سودی را بین مدیران خود تسهیم نمی‌کنند، مدیران بنگاه‌های خصوصی به دلیل اهداف و انتظارات طبیعی سهامداران در راستای کسب سود و ارتباط معنی داری که تامین این انتظارات با حفظ شغل و مزایای جبران خدمتشان دارد، به ایجاد سود حداکثری علاقه‌مندی بالایی نشان می‌دهند. از همین رو شرکت‌های خصوصی در اغلب موارد -درقیاس با بنگاه‌های دولتی- به کاهش مستمر هزینه‌ها از طرق مختلف و در راستای کارایی بیش از پیش حساسیت بالایی نشان می‌دهند. این موضوع در عمل نیز تجربه شده و مصادیق متعددی در اثبات آن وجود دارند. برای مثال شرکت‌های مخابرات و حمل و نقل هوایی بریتانیا پس از خصوصی سازی درجات قابل توجهی از بهبود کارایی و افزایش سودآوری را ثبت نمودند.

۲. **افزایش رقابت:** معمولاً خصوصی‌سازی با رفع انحصارهای دولتی در کنار مقررات زدایی همراه است. این امر به بنگاه‌های بیشتری اجازه ورود به صنعت را می‌دهد که یکی از پیامدهای آن افزایش رقابت در بازار می‌باشد. رقابتی که می‌تواند با تحریک نوآوری و

خلاقیت شرکت‌ها به بزرگترین عامل بهبود در کارایی و ارتقاء بهره‌وری و نهایتاً کیفیت خدمات و محصولات تولیدی بدل شود. البته خصوصی سازی لزوماً رقابت را افزایش نمی‌دهد و این مساله تا حدودی به ماهیت بازار هم بستگی دارد. بعضی بازارها از جمله بازار آب شرب دارای انحصار طبیعی هستند و در بعضی بازارها همچون صنعت راه‌آهن نیز رقابت بسیار اندکی وجود دارد.

۳. **افزایش درآمدهای دولت از طریق فروش اموال** : فروش دارایی‌ها به بخش خصوصی درآمد قابل ملاحظه‌ای برای دولت‌ها ایجاد می‌کند که می‌تواند از طریق تامین مالی اجرای سیاست‌های توسعه‌ای کمک شایان توجهی به آن‌ها نماید.

۴. **نگاه کوتاه مدت سیاسی** : دولت‌ها ممکن است بیش از هر چیز دیگر به موضوع انتخابات بعدی فکر کنند. به تبع همین امر احتمال زیادی وجود دارد تا مدیران بنگاه‌های تحت تملک دولت نیز به سرمایه‌گذاری‌های مرتبط با بهبود زیرساخت‌ها که بنگاه‌ها را در بلندمدت منتفع می‌سازد، توجهی ننموده و منابع را مستقل از میانی کارشناسی به سوی پروژه‌هایی که میزان محبوبیت بالاتر - ولو آنی - و جذب آراء بیشتر برای دولت را باعث می‌شود، هدایت نمایند. درحالی که بخش خصوصی بیشتر به حیات بلندمدت خویش می‌اندیشد و از همین رو به صورت مستمر سعی دارد تا بر روی پروژه‌هایی سرمایه‌گذاری نماید که با تضمین حضورش در بازار سود را نیز بیشینه نماید.

۵. **عدم مداخله سیاسی** : تجربه موجود کشورهای مختلف نشان دهنده این واقعیت است که بخش قابل توجهی از تصمیمات و رفتار مدیران دولتی غالباً تحت تاثیر فشارهای سیاسی شکل می‌گیرد تا براساس ملاحظات جدی و عمیق اقتصادی و تجاری. مثال‌های بسیاری وجود دارد که بنگاه‌های دولتی به استخدام تعداد زیادی از افراد مبادرت ورزیده‌اند که اساساً نیازی به آن‌ها نداشته‌اند و تمایلی به حذف کارکنان ناکارآمد و اضافی خود نیز نشان نمی‌دهند. ساده‌ترین و واضح‌ترین دلیل این موضوع وعده‌های سیاسی دولت‌ها جهت ایجاد اشتغال - دست کم برای هواداران خود - و یا تبلیغات منفی بیکارشدن شاغلین بخش دولتی است. بنابراین بنگاه‌های دولتی اغلب کارکنان زیادی در استخدام دارند که الزاماً به حضورشان در شرکت نیازی نبوده و همین ناکارآمدی آن‌ها را به ارمغان می‌آورد. این درحالی است که سهامداران خصوصی همواره با انگیزه کسب سود بالاتر توجه وافری به اصول و مبانی تجارت و تولید از جمله

کسب رضایت مصرف کننده نشان می‌دهد و تصمیمات روزمره خود را با منافع و انگیزه‌های سیاسی کوتاه مدت در نمی‌آمیزد.

معایب:

۱. **به خطر افتادن نفع جمعی:** صنایع زیادی هستند که خدمات عمومی مهمی مانند بیمه سلامت، آموزش و حمل و نقل عمومی را ارائه می‌دهند. بسیاری معتقدند که در این دسته از صنایع، انگیزه سود نایستی هدف اصلی بنگاه‌ها و صنعت باشد. این گروه بزرگ مثال‌های متعددی از جمله بیمه سلامت را در اثبات مدعای خود طرح و از این که به واسطه خصوصی سازی، اولویت اصلی این صنایع به کسب سود اختصاص یابد، ابراز نگرانی می‌کنند.
۲. **از دست دادن سودهای بالقوه از جانب دولت:** اسناد مالی نشان دهنده این است که تعداد زیادی از بنگاه‌های خصوصی شده به ویژه در کشورهای توسعه یافته نسبتاً سودآور بوده‌اند. به این معنی که دولت‌ها با خصوصی سازی این صنایع سودهای قابل توزیع آن‌ها را نیز به نفع سهامداران ثروتمند از دست می‌دهند.
۳. **ایجاد انحصار طبیعی در بخش خصوصی:** شواهد و تجارب جهانی نشان می‌دهد که خصوصی سازی در برخی صنایع باعث ایجاد انحصارهای خصوصی شده است. برای مثال آب شرب لوله کشی و یا احداث خط راه آهن هزینه ثابت قابل توجهی دارد که عرصه را برای ورود بنگاه‌های جدید و رقابت تنگ می‌نماید. بنابراین خصوصی سازی چنین صنعتی تنها یک انحصار خصوصی را ایجاد می‌کند که ممکن است مشوق تعیین قیمت‌های بالاتر برای استثمار مصرف کنندگان باشد. جلوگیری از سوء استفاده از قدرت انحصاری، نیاز به تنظیم و نظارت مستمر توسط دولت خواهد داشت که می‌تواند بسیار پیچیده باشد و یا ناکارآمد باشد. از همین رو بسیاری چنین طرح می‌کنند که یک انحصار دولتی به مراتب بهتر از یک انحصار خصوصی است که ممکن است زمینه استثمار مصرف کنندگان را فراهم نماید!
۴. **تکه تکه شدن منابع:** خصوصی سازی در برخی صنایع ممکن است به تکه تکه شدن آن‌ها بیانجامد که کمترین آثار منفی آن کاهش بازده نسبت به مقیاس و افزایش پیچیدگی مدیریت صنعت می‌باشد. برای مثال خصوصی سازی راه‌آهن در انگلستان

باعث تجزیه شبکه یکپارچه راه آهن به شرکت‌های زیرساخت و عملیات راه آهن متعدد شد و این مسئله ناهماهنگی گسترده و ایجاد مناطقی را موجب شد که هیچ شخصی مسولیت آن‌ها را برعهده نمی‌گرفت.

۵. **افتادن در دام کوتاه مدت گرانی:** همان طور که ممکن است مدیران دولتی براساس فشارهای موردی و اهداف کوتاه مدت همچون الزامات مربوط به انتخابات منافع بلند مدت و اساسی تر بنگاه را نادیده بگیرند؛ مدیران شرکت‌های خصوصی نیز ممکن است در دام کوتاه مدت گرایی گرفتار شوند. به عبارت دیگر این احتمال نیز وجود دارد تا مدیران بنگاه‌های اقتصادی برای جلب سریع تر رضایت سهامداران با غافل شدن از تمرکز و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های آینده نگرانه، به دنبال راهبردهایی باشند که می‌تواند سودهای کوتاه مدت و آنی را به دنبال داشته باشد.

اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران:

نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران برپایه ۳ بخش استوار است دولتی، خصوصی، تعاونی که با برنامه ریزی صحیح و منظم استوار است بخش دولتی شامل صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تامین نیرو، سدها، شبکه بزرگ آبرسانی، رادیو، تلوزیون، پست، تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه، راه آهن، و مانند این‌ها است که بصورت مالکیت عمومی در اختیار دولت است. بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های دولتی و تعاونی است. مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده ی قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است. تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می‌نماید .

سیاست‌های کلی اجرای اصل ۴۴:

سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در دهم تیرماه سال ۸۴ به شرح زیر از سوی مقام معظم رهبری (مدظله العالی) ابلاغ گردید:

بسم الله الرحمن الرحيم

سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مطابق بند ۱ اصل ۱۱۰ ابلاغ می‌گردد. لازم است نکاتی را در این زمینه یادآور شوم:

۱- اجرای این سیاست‌ها مستلزم تصویب قوانین جدید و بعضاً تغییراتی در قوانین موجود است؛ لازم است دولت و مجلس محترم در این زمینه با یکدیگر همکاری نمایند.

۲- نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام بر حسن اجرای این سیاست‌ها با اتخاذ تدابیر لازم و همکاری دستگاه‌های مسئول و ارائه گزارش‌های نظارتی هر سال در وقت معین مورد تأکید است.

۳- در مورد «سیاست‌های کلی توسعه بخش‌های غیر دولتی از طریق واگذاری فعالیت‌ها و بنگاه‌های دولتی» پس از دریافت گزارش‌ها و مستندات و نظریات مشورتی تفصیلی مجمع راجع به: رابطه‌ی خصوصی‌سازی با هر یک از عوامل ذیل اصل ۴۴، نقش عوامل مختلف در ناکارآمدی بعضی از بنگاه‌های دولتی، آثار انتقال هر یک از فعالیت‌های صدر اصل ۴۴ و بنگاه‌های مربوط به بخش‌های غیردولتی، میزان آمادگی بخش‌های غیردولتی و ضمانت‌ها و راه‌های اعمال حاکمیت دولت، اتخاذ تصمیم خواهد شد. ان شاءالله

الف. سیاست‌های کلی توسعه بخش‌های غیردولتی و جلوگیری از بزرگ شدن بخش دولتی:

۱. دولت حق فعالیت اقتصادی جدید خارج از موارد صدر اصل ۴۴ را ندارد و موظف است هرگونه فعالیت (شامل تداوم فعالیت‌های قبلی و بهره‌برداری از آن) را که مشمول عناوین صدر اصل ۴۴ نباشد، حداکثر تا پایان برنامه پنج‌ساله چهارم (سالینانه حداقل ۲۰٪ کاهش فعالیت) به بخش‌های تعاونی و خصوصی و عمومی غیردولتی واگذار کند.

با توجه به مسئولیت نظام در حسن اداره کشور، تداوم و شروع فعالیت ضروری خارج از عناوین صدر اصل ۴۴ توسط دولت، بنا به پیشنهاد هیأت وزیران و تصویب مجلس شورای اسلامی برای مدت معین مجاز است.

اداره و تولید محصولات نظامی، انتظامی و اطلاعاتی نیروهای مسلح و امنیتی که جنبه محرمانه دارد، مشمول این حکم نیست.

۲. سرمایه گذاری، مالکیت و مدیریت در زمینه‌های مذکور در صدر اصل ۴۴ قانون اساسی به شرح ذیل توسط بنگاه‌ها و نهادهای عمومی غیردولتی و بخش‌های تعاونی و خصوصی مجاز است:

۱. صنایع بزرگ، صنایع مادر (از جمله صنایع بزرگ پایین‌دستی نفت و گاز) و معادن بزرگ (به استثنای نفت و گاز).

۲. فعالیت بازرگانی خارجی در چارچوب سیاست‌های تجاری و ارزی کشور.

۳. بانک‌داری توسط بنگاه‌ها و نهادهای عمومی غیردولتی و شرکت‌های تعاونی سهامی عام و شرکت‌های سهامی عام مشروط به تعیین سقف سهام هر یک از سهامداران با تصویب قانون.

۴. بیمه.

۵. تأمین نیرو شامل تولید و واردات برق برای مصارف داخلی و صادرات.

۶. کلیه امور پست و مخابرات به استثنای شبکه‌های مادر مخابراتی، امور واگذاری فرکانس و شبکه‌های اصلی تجزیه و مبادلات و مدیریت توزیع خدمات پایه پستی.

۷. راه و راه‌آهن.

۸. هواپیمایی (حمل و نقل هوایی) و کشتیرانی (حمل و نقل دریایی).

سهم بهینه بخش‌های دولتی و غیردولتی در فعالیت‌های صدر اصل ۴۴، با توجه به حفظ حاکمیت دولت و استقلال کشور و عدالت اجتماعی و رشد و توسعه اقتصادی، طبق قانون تعیین می‌شود.

ب. سیاست‌های کلی بخش تعاونی:

۱. افزایش سهم بخش تعاونی در اقتصاد کشور به ۲۵٪ تا آخر برنامه پنج‌ساله پنجم.
۲. اقدام مؤثر دولت در ایجاد تعاونی‌ها برای بیکاران در جهت اشتغال مولد.
۳. حمایت دولت از تشکیل و توسعه تعاونی‌ها از طریق روش‌هایی از جمله تخفیف مالیاتی، ارائه تسهیلات اعتباری حمایتی به وسیله کلیه مؤسسات مالی کشور و پرهیز از هرگونه دریافت اضافی دولت از تعاونی‌ها نسبت به بخش خصوصی.
۴. رفع محدودیت از حضور تعاونی‌ها در تمامی عرصه‌های اقتصادی از جمله بانکداری و بیمه.
۵. تشکیل بانک توسعه تعاون با سرمایه دولت باهدف ارتقاء سهم بخش تعاونی در اقتصاد کشور.
۶. حمایت دولت از دستیابی تعاونی‌ها به بازار نهایی و اطلاع رسانی جامع و عادلانه به این بخش.
۷. اعمال نقش حاکمیتی دولت در قالب امور سیاست‌گذاری و نظارت بر اجرای قوانین موضوعه و پرهیز از مداخله در امور اجرایی و مدیریتی تعاونی‌ها.
۸. توسعه آموزش‌های فنی و حرف‌های و سایر حمایت‌های لازم به‌منظور افزایش کارآمدی و توانمندسازی تعاونی‌ها.
۹. انعطاف و تنوع در شیوه‌های افزایش سرمایه و توزیع سهام در بخش تعاونی و اتخاذ تدابیر لازم به‌نحوی که علاوه بر تعاونی‌های متعارف امکان تأسیس تعاونی‌های جدید در قالب شرکت سهامی عام با محدودیت مالکیت هر یک از سهامداران به سقف معینی که حدود آن را قانون تعیین می‌کند، فراهم شود.

۱۰. حمایت دولت از تعاونی‌ها متناسب با تعداد اعضاء.

۱۱. تأسیس تعاونی‌های فراگیر ملی برای تحت پوشش قرار دادن سه دهک اول جامعه به منظور فقرزدایی.

ج- سیاست‌های کلی توسعه بخش‌های غیردولتی از طریق واگذاری فعالیت‌ها و بنگاه‌های دولتی:

با توجه به ضرورت شتاب گرفتن رشد و توسعه اقتصادی کشور مبتنی بر اجرای عدالت اجتماعی و فقرزدایی در چارچوب چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور

- تغییر نقش دولت از مالکیت و مدیریت مستقیم بنگاه به سیاست‌گذاری و هدایت و نظارت
- توانمندسازی بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد و حمایت از آن جهت رقابت کالاها در بازارهای بین‌المللی
- آماده‌سازی بنگاه‌های داخلی جهت مواجهه هوشمندانه با قواعد تجارت جهانی در یک فرایند تدریجی و هدفمند.
- توسعه سرمایه انسانی دانش‌پایه و متخصص
- توسعه و ارتقاء استانداردهای ملی و انطباق نظام‌های ارزیابی کیفیت با استانداردهای بین‌المللی
- جهت‌گیری خصوصی‌سازی در راستای افزایش کارایی و رقابت‌پذیری و گسترش مالکیت عمومی و بنا بر پیشنهاد مجمع تشخیص مصلحت نظام بند ج سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی ج.ا.ا. مطابق بند ۱ اصل ۱۱۰ ابلاغ می‌گردد.

واگذاری ۸۰٪ از سهام بنگاه‌های دولتی مشمول صدر اصل ۴۴ به بخش‌های خصوصی شرکت‌های تعاونی سهامی عام و بنگاه‌های عمومی غیردولتی به شرح ذیل مجاز است:

۱. بنگاه‌های دولتی که در زمینه معادن بزرگ، صنایع بزرگ و صنایع مادر (از جمله صنایع بزرگ پایین‌دستی نفت و گاز) فعال هستند به‌استثنای شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های استخراج و تولید نفت خام و گاز
۲. بانک‌های دولتی به‌استثنای بانک مرکزی ج.ا.ا. بانک ملی ایران، بانک سپه، بانک صنعت و معدن، بانک کشاورزی، بانک مسکن و بانک توسعه صادرات
۳. شرکت‌های بیمه دولتی به‌استثنای بیمه مرکزی و بیمه ایران
۴. شرکت‌های هواپیمایی و کشتیرانی به‌استثنای سازمان هواپیمایی کشوری و سازمان بنادر و کشتیرانی
۵. بنگاه‌های تأمین نیرو به‌استثنای شبکه‌های اصلی انتقال برق
۶. بنگاه‌های پستی و مخابراتی به‌استثنای شبکه‌های مادر مخابراتی، امور واگذاری فرکانس و شبکه‌های اصلی تجزیه و مبادلات و مدیریت توزیع خدمات پایه پستی
۷. صنایع وابسته به نیروهای مسلح به‌استثنای تولیدات دفاعی و امنیتی ضروری به تشخیص فرمانده کل قوا

الزامات واگذاری:

- قیمت‌گذاری سهام از طریق بازار بورس انجام می‌شود
- فراخوان عمومی با اطلاع‌رسانی مناسب جهت ترغیب و تشویق عموم به مشارکت و جلوگیری از ایجاد انحصار و رانت اطلاعاتی صورت پذیرد.

- جهت تضمین بازدهی مناسب سهام شرکت‌های مشمول واگذاری اصلاحات لازم در خصوص بازار، قیمت‌گذاری محصولات و مدیریت مناسب بر اساس قانون تجارت انجام گردد.
- واگذاری سهام شرکت‌های مشمول طرح در قالب شرکت‌های مادر تخصصی و شرکت‌های زیرمجموعه با کارشناسی همه‌جانبه صورت گیرد.
- به‌منظور اصلاح مدیریت و افزایش بهره‌وری بنگاه‌های مشمول واگذاری با استفاده از ظرفیت‌های مدیریتی کشور اقدامات لازم جهت جذب مدیران باتجربه، متخصص و کارآمد انجام پذیرد.
- فروش اقساطی حداکثر ۵٪ از سهام شرکت‌های مشمول بند ج به مدیران و کارکنان شرکت‌های فوق مجاز است.
- با توجه به ابلاغ بند ج سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و تغییر وظایف حاکمیتی، دولت موظف است نقش جدید خود در سیاست‌گذاری، هدایت و نظارت بر اقتصاد ملی را تدوین و اجرا نماید.
- تخصیص درصدی از منابع واگذاری جهت حوزه‌های نوین با فناوری پیشرفته در راستای وظایف حاکمیتی مجاز است.

د - سیاست‌های کلی واگذاری:

۱. الزامات واگذاری:

۱. توانمندسازی بخش‌های خصوصی و تعاونی در ایفای فعالیت‌های گسترده و اداره بنگاه‌های اقتصادی بزرگ.
۲. نظارت و پشتیبانی مراجع ذی‌ربط بعد از واگذاری برای تحقق اهداف واگذاری.

۳. استفاده از روش‌های معتبر و سالم واگذاری با تأکید بر بورس، تقویت تشکیلات واگذاری، برقراری جریان شفاف اطلاع رسانی، ایجاد فرصت‌های برابر برای همه، بهره‌گیری از عرضه تدریجی سهام شرکت‌های بزرگ در بورس به منظور دستیابی به قیمت پایه سهام.

۴. ذی‌نفع نبودن دست‌اندرکاران واگذاری و تصمیم‌گیرندگان دولتی در واگذاری‌ها.

۵. رعایت سیاست‌های کلی بخش تعاونی در واگذاری‌ها.

۲. مصارف درآمدهای حاصل از واگذاری:

وجوه حاصل از واگذاری سهام بنگاه‌های دولتی به حساب خاصی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز و در قالب برنامه‌ها و بودجه‌های مصوب به ترتیب زیر مصرف می‌شود:

۱. ایجاد خوداتکایی برای خانواده‌های مستضعف و محروم و تقویت تأمین اجتماعی.

۲. اختصاص ۳۰٪ از درآمدهای حاصل از واگذاری به تعاونی‌های فراگیر ملی به منظور فقرزدایی.

۳. ایجاد زیربنای اقتصادی با اولویت مناطق کمتر توسعه یافته.

۴. اعطای تسهیلات (وجوه اداره شده) برای تقویت تعاونی‌ها و نوسازی و به‌سازی بنگاه‌های اقتصادی غیردولتی با اولویت بنگاه‌های واگذار شده و نیز برای سرمایه‌گذاری بخش‌های غیردولتی در توسعه مناطق کمتر توسعه یافته.

۵. مشارکت شرکت‌های دولتی با بخش‌های غیردولتی تا سقف ۴۹٪ به منظور توسعه اقتصادی مناطق کمتر توسعه یافته.

۶. تکمیل طرح‌های نیمه تمام شرکت‌های دولتی با رعایت بند الف این سیاست‌ها.

ه - سیاست‌های کلی اعمال حاکمیت و پرهیز از انحصار:

۱. تداوم اعمال حاکمیت عمومی دولت پس از ورود بخش‌های غیردولتی از طریق سیاست‌گذاری و اجرای قوانین و مقررات و نظارت به‌ویژه در مورد اعمال موازین شرعی و قانونی در بانک‌های غیردولتی.
۲. جلوگیری از نفوذ و سیطره بیگانگان بر اقتصاد ملی.
۳. جلوگیری از ایجاد انحصار، توسط بنگاه‌های اقتصادی غیردولتی از طریق تنظیم و تصویب قوانین و مقررات.

قوانین حوزه خصوصی سازی در ایران :

قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ :

قانون مشتمل بر ۹۲ ماده و ۹۰ تبصره در تاریخ ۱۳۸۶/۱۱/۸ در مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۷/۳/۲۵ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام موافق با مصلحت نظام تشخیص داده شد.

سایر قوانین مرتبط :

الف) مصوبات هیئت وزیران :

- تصویب نامه تنفیذ برخی مصوبات موضوع ماده ۹ قانون برنامه چهارم توسعه
- تصویب نامه تفویض اختیار تصویب آیین نامه‌های قانون به کارگروه اصل ۱۳۸
- اساسنامه بانک توسعه تعاون
- آیین نامه اجرایی ماده ۷ قانون اجرای اصل ۴۴
- آیین نامه انطباق نظام‌های ارزیابی کیفیت
- آیین نامه خرید خدمات مالی، فنی، مدیریتی از بخش غیر دولتی
- آیین نامه نحوه تشکیل جلسات و چگونگی اتخاذ تصمیمات هیئت داوری
- آیین نامه نحوه تشکیل و نظارت بر شرکت‌های تعاونی سهامی عام
- آیین نامه نحوه طبقه بندی، تایید صورت مالی و بازاریابی بنگاه‌ها
- آیین نامه بلوک بندی شرکت‌های تعاونی سهامی عام
- آیین نامه نحوه هزینه کرد وجوه حاصل از واگذاری
- تصویب نامه شفاف سازی برخی از مواد قانون اصل ۴۴
- آیین نامه تبدیل وضعیت کارکنان شرکت‌ها پس از انتقال وظایف حاکمیتی آنها
- آیین نامه تشخیص، انطباق و طبقه بندی فعالیت‌ها و بنگاه
- آیین نامه روش‌های واگذاری

- اساسنامه صندوق ضمانت سرمایه گذاری تعاون
- اساسنامه سازمان خصوصی سازی
- آیین نامه سرمایه گذاری خارجی در بورس و بازارهای خارج از بورس
- ایجاد تشکیلات مرکز ملی رقابت
- تصویب نامه سرمایه گذاری در فعالیتهای گروه یک ماده ۲
- آیین نامه تعیین میزان جرایم نقدی در رویه های ضد رقابتی
- آیین نامه نحوه برگزاری، اداره جلسات و اخذ تصمیم هیات تجدیدنظر
- آیین نامه تبصره (۵) بند (الف) ماده (۳) قانون اصل (۴۴)
- آیین نامه نحوه تحقیق، رسیدگی به شکایات و اجرای آرای شورای رقابت

ب) مصوبات هیئت واگذاری:

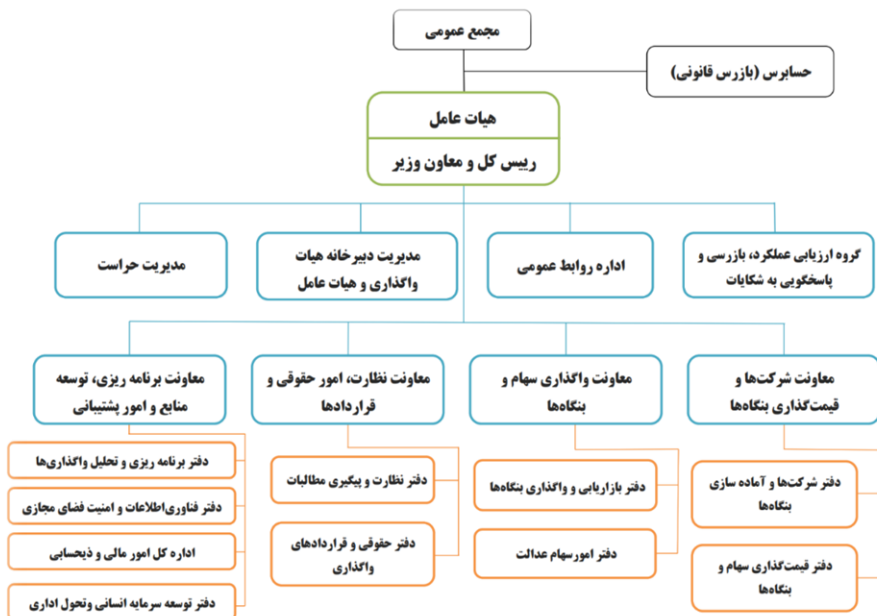
- دستور العمل نحوه تشکیل جلسات هیات واگذاری
- تصویب نامه وظایف دبیرخانه هیات واگذاری
- آیین نامه اجرایی نحوه بیمه مسئولان و مجریان امر واگذاری
- نحوه تنظیم قراردادهای واگذاری مشتمل بر تعیین اختیارات و تعهدات
- نحوه تنظیم قراردادهای تعهد پذیره نویسی موسسات تامین سرمایه
- دستورالعمل نحوه اخذ تعهدات و اعطای تخفیفات به خریداران
- تصویب نامه تخصیص سهام اقساطی به مدیران با تجربه، متخصص و کارآمد
- دستورالعمل اجرایی واگذاری به روش پیمان مدیریت
- دستورالعمل تخفیف و نحوه انتقال سهام به دریافت کنندگان سهام عدالت
- ضوابط واگذاری طرح های نیمه تمام
- دستورالعمل اجرایی روش انتخاب مشتریان راهبردی (استراتژیک) و احراز و پایش اهلیت مدیریتی در واگذاری ها
- شیوه نامه تشویق بخش خصوصی و تعاونی در واگذاری ها
- دستورالعمل واگذاری سهام یا بنگاه ها از طریق مذاکره
- دستورالعمل نحوه شناسایی، محاسبه و تامین درآمدهای سازمان

- دستورالعمل نحوه نظارت پس از واگذاری

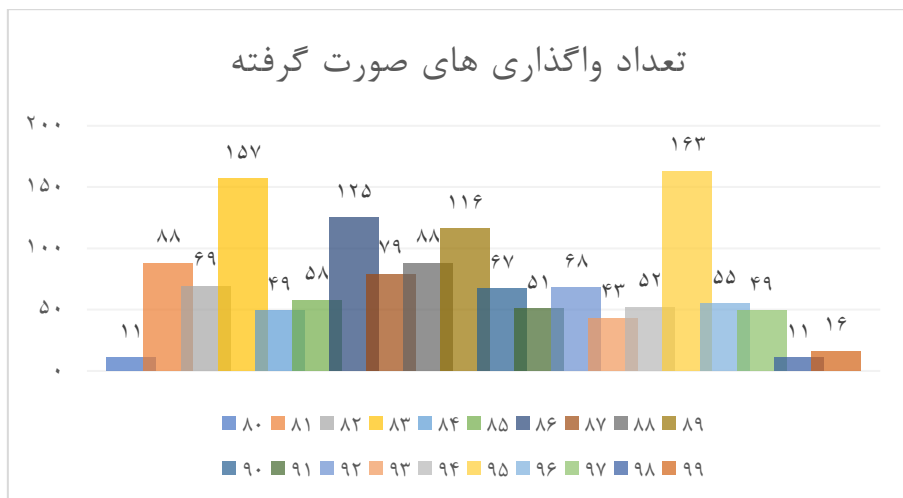
ج) شورای‌های اجرای سیاست‌های کلان اصل ۴۴ قانون اساسی :

- آیین نامه نحوه اداره و اخذ تصمیمات شورای عالی اجرای اصل ۴۴
- تصویب نامه سیاست‌ها و خط مشی‌های اجرایی برای تحقق اهداف اصل ۴۴
- آیین نامه نحوه هزینه کرد اعتبارات کارکنان سازمان خصوصی
- آیین نامه اجرایی نظام اقساطی واگذاری
- آیین نامه اجرایی شیوه‌های قیمت گذاری بنگاه‌ها
- آیین نامه اجرایی نحوه واگذاری سهام ترجیحی
- دستورالعمل نحوه اعمال مشوق‌های مالی و یا غیرمالی
- تصویب نامه ضوابط نحوه انجام اصلاح ساختار بنگاه‌ها
- آیین نامه سهم بهینه بخش دولتی و غیردولتی در راه و راه آهن
- نظام نامه فعالیت‌های فرهنگی - تبلیغاتی در امر واگذاری‌ها
- تصویب نامه احراز و پایش اهلیت مدیریتی در واگذاری سهام و شرکت
- آیین نامه اجرایی توزیع سهام عدالت
- تصویب نامه سازماندهی فعالیت‌های فرهنگی - تبلیغاتی
- تصویب نامه شاخص‌های اجرایی بند (۵) ماده (۴۲) قانون
- تصمیمات ۲۲ دوره نشست شورای عالی اصل ۴۴ از سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۹

ساختار سازمان خصوصی سازی :



نمای کلی از وضعیت خصوصی سازی در کشور :



دسته بندی واگذاری های انجام گرفته :

مجموع	سهام عدالت	رد دیون	بلوکی	ترجیحی	تدریجی	تعداد		
۱۲۶۲۱	---	۳۰۸۸	۸۱۷۴	---	---	۱۵	پتروشیمی	۱
۸۶۵۰	۲۵۷	۱۳۱۹	۶۹۶۵	۶۳	۴۵	۲۱	نیروگاه	۲
۷۳۹۶	---	۲۲۱۲	۴۷۶۲	۱۳۶	۲۸۶	۱۱	فولاد و الومینیوم	۳
۴۳۱۷	۷۶۳	۷۴۲	۲۳۸۳	۶۴	۳۶۴	۱۰	پالایشگاه	۴
۴۳۷۸	---	۱۹۵	۴۰۶۹	۱۲	---	۶	کشاورزی و دامپروری	۵
۲۹۹۵	---	۶۰	۱۷۲۵	۲۱۶	۹۹۳	۴	بانک	۶
۶۳۲	---	۴۲۰	۲۱۲	---	---	۹	املاک	۷
۲۰۶	---	---	۸۳	۱۱	۱۱۲	۲	بیمه	۸

تفکیک نوع واگذاری ها :

درصد	هزار میلیارد تومان	
٪۳۹	۱۴۱/۴	رد دیون
٪۱۰	۱۰۶/۲	سهام عدالت
٪۵۱	۲۶/۶	واریز به خزانه
	۲۷۴/۳	جمع کل

تفکیک حجم واگذاری ها :

درصد	هزار میلیارد تومان	
٪۸۸	۱۵۷	بلوکی
٪۱۱	۲۰	تدریجی
٪۱	۱۶	مزایده
	۱۷۸/۳	جمع کل

دسته بندی فعالیتها در خصوصی سازی (مطابق ماده ۲ قانون اصل ۴۴ قانون اساسی) :

الف) گروه یک :

- سایر فعالیتها غیر از گروههای ۲ و ۳

ب) گروه دو :

- صنایع مادر
- صنایع بزرگ
- بازرگانی خارجی
- بانکداری
- بیمه
- تامین نیرو

- تلگراف و تلفن
- هواپیمایی
- کشتیرانی
- راه و راه آهن

ج) گروه سه :

- شبکه‌های ماهواره مخابراتی و امور واگذاری بسامد
- شبکه اصلی پست
- تولیدات محرمانه امنیتی نظامی و انتظامی
- شرکت ملی نفت ایران
- معادن نفت و گاز
- بانک مرکزی، ملی، سپه، توسعه، صادرات، صنعت و معدن، مسکن، کشاورزی و توسعه تعاون
- بیمه مرکزی و شرکت بیمه ایران
- شبکه‌های اصلی انتقال برق
- سازمان هواپیمایی کشوری و سازمان بنادر و کشتیرانی
- سد و شبکه‌های بزرگ آبرسانی
- رادیو و تلویزیون

شرایط قرار گرفتن در گروه دو (حداقل یک شرط) :

۱. تشخیص امر به عهده هیئت وزیران می‌باشد
۱. سرمایه پیش از ۱۰۰ میلیارد تومان
۲. نیروی کار پیش از ۲۵۰۰ نفر، استفاده از دانش با فناوری بالا
۳. تولید پیش از ۳۰٪ نیاز کشور
۴. تولید کننده مواد خام اولیه
۵. بانک‌های : صادرات، رفاه، تجارت و پست بانک

۶. بیمه : البرز آسیا و دانا
۷. بنگاه‌های هواپیمایی بنادر و...
۸. فعالیت در زمینه انحصارات طبیعی قانونی و امتیازات خاص
۹. معادن طبیعی
۱۰. تولید کننده مواد خام اولیه

تفکیک تعداد گروه بندی‌ها :

درصد	تعداد	
۵۲٪	۴۰۱	گروه یک
۴۱٪	۳۱۳	گروه دو
۷٪	۵۱	گروه سه
	۷۶۵	جمع کل

تفکیک گروه بندی واگذاری‌ها :

درصد	هزار میلیارد تومان	
۳۰٪	۵۴	گروه یک
۷۰٪	۱۲۵	گروه دو
	۱۷۸	جمع کل

مراحل فرآیند واگذاری:

- ۱- فرارگرفتن در نوبت واگذاری
- ۲- دریافت اطلاعات و مدارک بنیاد مضمول واگذاری
- ۳- اصلاح ساختار بنگاه‌ها
- ۴- برنامه زمانی، قیمت گذاری، روش واگذاری
- ۵- درج آگهی واگذاری
- ۶- اهلیت سنجی
- ۷- تنظیم قرارداد واگذاری
- ۸- انجام پروسه واگذاری
- ۹- نظارت پس از واگذاری
- ۱۰- داوری
- ۱۱- پایان واگذاری

روش کلی واگذاری:

- عرضه عمومی در بورس
- دو نوبت مزایده (سپرده شرکت در مزایده ۳درصد قیمت پایه شرکت)
- مذاکره

اعضای گروه مذاکره کنندگان :

- رئیس سازمان خصوصی سازی
- دو نفر به انتخاب هیئت واگذاری
- دو نفر عضو هیئت عامل
- یک نفر از بنگاه مورد واگذاری (بدون حق رای)

- یک نماینده مجلس (بدون حق رای)
- حداقل یک نفر از بخش غیر دولتی

تفکیک روش‌های واگذاری‌ها :

درصد	هزار میلیارد تومان	
۷۰٪	۵۶۱	بورس و فرابورس
۲۹٪	۲۳۸	مزایده
۱٪	۱/۸	مذاکره
	۸۰۰/۸	جمع کل

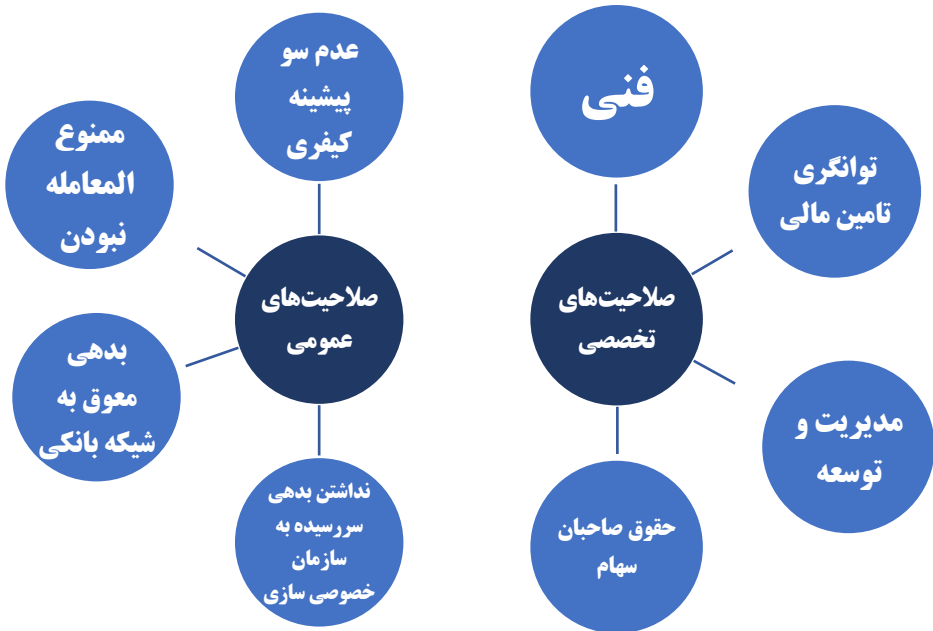
اهلیت سنجی

الف) واگذاری مدیریتی (امکان انتخاب حداقل یک عضو هیئت مدیره)

- احراز صلاحیت عمومی

ب) واگذاری کنترلی (انتخاب اکثریت اعضای هیئت مدیره)

- احراز صلاحیت تخصصی
- احراز صلاحیت عمومی



کارگروه بررسی صلاحیت‌های تخصصی:

- رئیس سازمان خصوصی سازی
- معاون واگذاری سهام و بنگاه‌های سازمان خصوصی سازی
- نماینده شرکت مادر تخصصی مربوط
- سه نفر به عنوان نمایندگان هیئت واگذاری
- ذی حساب سازمان خصوصی سازی
- نماینده دیوان محاسبات (ناظر)
- نماینده سازمان بازرسی (ناظر)
- حراست سازمان بازرسی (ناظر)

هیئت واگذاری :

وظایف هیئت واگذاری :

- اجرای برنامه‌ها و خطمشی‌های کلی واگذاری و تعیین تکلیف بنگاه‌های مشمول واگذاری
- تهیه آئین نامه نظام اقساطی واگذاری و نحوه دریافت بهای حقوق قابل واگذاری
- تهیه آئین نامه شیوه‌های قیمت گذاری بنگاه‌ها و نحوه اعمال شیوه‌های مذکور در همین چهارچوب
- تهیه نظام تأمین مالی، حمایت و تشویق خریداران به همراه تعیین چهارچوب تعهدات خریداران و فروشنده
- تهیه ضوابط اصلاح ساختار بنگاه‌ها و در موارد ضروری متضمن چهارچوب حفظ و سیانت نیروی انسانی شاغل
- تهیه نظام نامه فعالیت‌های فرهنگی-تبلیغاتی برای بسترسازی، بهبود و شفافیت امر واگذاری
- تهیه پیشنهاد واگذاری بلوکی بنگاه‌های مشمول واگذاری در بورسهای خارجی
- تهیه آئین نامه نحوه واگذاری سهام ترجیحی به مدیران و کارکنان

اعضای هیئت واگذاری :

- وزیر اقتصاد و امور دارایی(رئیس)
- وزیر دادگستری (عضو)
- دو نفر از نمایندگان مجلس (ناظر)
- وزیر وزارتخانه ذیربط
- رئیس سازمان برنامه و بودجه
- رئیس اتاق تعاون

در هیئت واگذاری فقط وزیر اقتصاد و وزیر دادگستری حق رای دارند.

هیئت داوری :

اگرچه مواد راجع به هیأت داوری واگذاری در برنامه چهارم و پنجم توسعه هم مورد بررسی مجدد قرار گرفت و در نهایت بر اساس ماده ۳۰ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴، تبدیل به نهادی ثابت شد، اما این پرسش همچنان به قوت خود باقی است که آیا هیأت داوری به معنای واقعی نهاد داوری است یا خیر. به عبارت دیگر، آیا در ایجاد نهادی با عنوان هیأت داوری واگذاری، آنچه مورد نظر قانونگذار بوده است نهاد داوری به معنای شناخته شده آن در ادبیات حقوقی است یا باید آن را فقط اشتراک لفظی دانست و چنین نتیجه گرفت که به جز شباهت نام، نسبت و ارتباط دیگری با نهاد داوری ندارد. در بررسی قوانین و مقررات راجع به هیئت داوری واگذاری، چنین به نظر می‌رسد که قانون‌گذار، نگاه واحد و مشخصی به ماهیت و کارکرد این هیأت نداشته و علاوه بر آن، بین داوری به معنای اصطلاحی آن و قضاوت خارج از دادگاه، نوعی تشبیه وجود دارد.

داوران ممنوع از داوری : علاوه بر این، سابقه ترکیب هیأت داوری واگذاری از زمان تشکیل تاکنون نشان می‌دهد که به کرات، افراد ممنوع از داوری نیز به عضویت این هیأت درآمده‌اند و ایرادهای طرفین (چه در زمان رسیدگی و چه در زمان اعتراض به رای) مقبول نبوده است. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارشی در این باره می‌گوید: طبق ماده ۴۷۰ قانون آیین

دادرسی مدنی کلیه قضات و کارمندان اداری شاغل در محاکم قضایی را از داوری منع کرده و این امر را مقدور ندانسته است. حال اینکه، در ترکیب هیأت داوری واگذاری و اعضای منصوب از سوی هیأت وزیران، قضات دادگستری که برابر ماده ۴۷۰ مجاز به داوری نبوده‌اند یا کارمندان دولت در حوزه مأموریت‌شان یا کسانی که وابستگی سازمانی‌شان به طرف دولتی محرز بوده و در نتیجه بی‌طرفی‌شان مورد سوال بوده است، در مقام عضو هیأت داوری معرفی و منصوب شده‌اند؛ و در واقع، تنها دو عضو هیأت داوری خصوصی‌سازی، به معنای دقیق کلمه بی‌طرف محسوب می‌شوند: رئیس اتاق بازرگانی ایران و رئیس اتاق تعاون.

مسئله آخری که باید مطرح کرد این است که ترکیب اعضای هیئت داوری، کاملاً دولتی است و به غیر از اصلاحیه‌ای که سال گذشته بر روی آن شد و یک نفر کارشناس از سوی قوه قضائیه به آن اضافه شد، دیگر کاری بر روی ترکیب این اعضا انجام نشد. به عبارتی برای تصمیم‌گیری حقوقی در مورد یکسری تخلفات صورت گرفته، افرادی باید تصمیم بگیرند که از منظر حقوقی و قضایی جایگاهی ندارند. از طرفی دیگر رویه قضایی نیز در مواجهه با آرای هیأت داوری واگذاری، با وجود تشتت و ابهام و تعارض‌های فراوانی که دارد، در مجموع این هیأت را به عنوان یک نهاد داوری واقعی نمی‌شناسد. آرای بسیاری در رویه قضایی وجود دارد که در آن دادگاه به طور روشن، از این هیأت با عنوان مرجعی شبه قضایی نام می‌برد که تنها اشتراک نام با داوری دارد و در عمل هم، دادگاه بسیاری از الزامات داوری (نظیر ممنوعیت عضویت قضات در هیأت داوری) را در خصوص این هیأت لازم‌الرعایه نمی‌داند. علاوه بر این، دادگاه‌ها در صورت لزوم، در عمل، ورود به ماهیت آرای صادره از این هیأت کرده و آن را اصلاح، تایید یا نقض می‌نمایند.

اعضا:

- رئیس اتاق تعاون
- رئیس اتاق بازرگانی صنایع و معادن
- پنج نفر عضو اقتصادی، مالی، فنی، حقوقی و بازرگانی که به پیشنهاد مشترک وزیر اقتصاد، وزیر دادگستری و رئیس سازمان برنامه بودجه با تصویب هیئت وزیران به مدت ۶ سال انتخاب می‌گردند.

راهکارهای پیشنهادی :

- ۱- حفظ مالکیت به جهت تعهد و جلوگیری از مشکلات حقوقی بعدی
- ۲- واگذاری حق مدیریت و بهره برداری به جای حق مالکیت
- ۳- تعیین برنامه مدیریتی پایه به جای قیمت پایه
- ۴- به رقابت گذاشتن قیمت مدیریتی متقاضیان
- ۵- حفظ حق بهره برداری تا زمان اجرای تعهدات و برنامه‌ها
- ۶- نظارت فعال بر تحقق برنامه‌های متعهد شده
- ۷- تعهد خریدار به ادامه فعالیت
- ۸- حفظ اشتغال
- ۹- افزایش سرمایه گذاری جدید
- ۱۰- پرداخت مالیات پس از سه سال
- ۱۱- تعیین جریمه‌های منطقی در صورت تخلف از تعهدات
- ۱۲- ضمانت بقای شرکت

مدل واگذاری پیشنهادی :

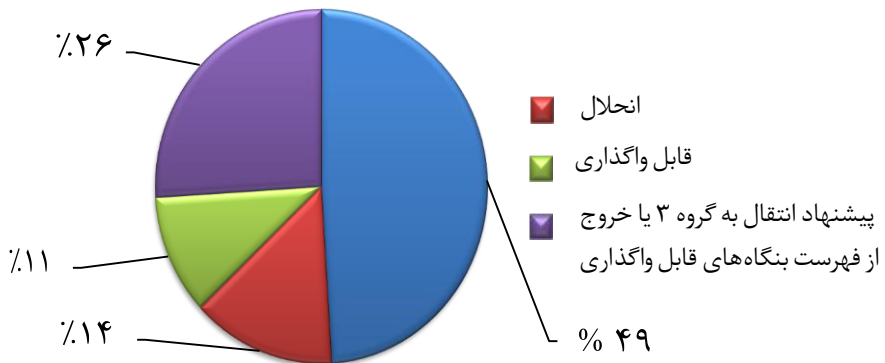
- ۱- تعیین شاخص برای واگذاری
 - مالیات پرداختی
 - تولید (سهم از GDP)
 - قیمت پیشنهادی
- ۲- تعیین ضریب برای شاخص‌ها
- ۳- قابل تبدیل سازی ضرایب به همدیگر
- ۴- به مزایده گذاشتن پیشنهادات
- ۵- تعیین پروتکل‌های کاهش سطح اشتغال
- ۶- حذف انتقال مالکیت زمین و ارزش آن در قیمت

اهداف خصوصی سازی با توجه به سیاست‌های اقتصادی، فرهنگی و راهبردی کلی هر جامعه اتخاذ می‌گردد لذا هر کشور برنامه خصوصی سازی و توسعه‌ای را با اهداف ملی و بومی خاص خود اجرا می‌کند به طور مثال اولویت فرایند خصوصی سازی در کشورهای صنعتی و توسعه یافته کسب درآمد و کاهش بار مالی دولت و افزایش کارایی است در صورتی که در کشورهای در حال توسعه، اهداف خصوصی سازی را می‌توان بهینه کردن کارایی تخصیص منابع، کاهش تصدی‌گری دولت در اقتصاد، مقابله با نقدینگی فراوان و سرگردان، ایجاد فضای رقابتی سالم و مطمئن و بستر سازی جلب توجه سرمایه گذاری خارجی دانست.

مطابق نمودار ذیل، آمارهای منتشر شده توسط سازمان خصوصی سازی نشان می‌دهد که از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۳ نام مجموعاً تعداد ۱۰۹۹ بنگاه در فهرست بنگاه‌های قابل واگذاری درج شد که از این تعداد تا پایان سال ۱۳۹۳ تعداد ۵۳۹ بنگاه مشمول به طور کامل واگذار و تعداد ۱۵۴ بنگاه از طریق روش‌هایی همچون انحلال، تحصیل تعیین تکلیف شده است. همچنین نام ۱۲۶ بنگاه در فهرست شرکت‌های قابل واگذاری سال ۱۳۹۴ قرار داشته. و ۲۸۰ بنگاه دارای پیشنهاد انتقال به گروه ۳ و یا خروج از فهرست بنگاه‌های قابل واگذاری را دارند.

مقایسه نحوه واگذاری شرکت‌های دولتی در سال ۱۳۹۴

سر نوشت واگذاری کامل :



عمده تخلفات در فرآیندهای خصوصی سازی:

ماده ۳: قلمرو فعالیت‌های اقتصادی دولت به شرح زیر تعیین می‌شود:

الف - مالکیت، سرمایه گذاری و مدیریت برای دولت در آن دسته از بنگاه‌های اقتصادی که موضوع فعالیت آنها مشمول گروه یک ماده (۳) این قانون است، اعم از طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای، تأسیس مؤسسه و یا شرکت دولتی، مشارکت با بخش‌های خصوصی و تعاونی و بخش عمومی غیر دولتی، به هر نحو و به هر میزان ممنوع است.

ب - دولت مکلف است هشتاد درصد از ارزش مجموع سهام بنگاه‌های دولتی در هر فعالیت مشمول گروه دو ماده ۲ این قانون به استثناء راه و راه آهن را به بخش‌های خصوصی، تعاونی و عمومی غیر دولتی واگذار نماید.

ج - سرمایه گذاری، مالکیت و مدیریت در فعالیت‌ها و بنگاه‌های مشمول گروه سه ماده (۲) این قانون منحصراً در اختیار دولت است.

ماده ۴: قلمرو فعالیت‌های اقتصادی بخش غیردولتی به شرح زیر تعیین می‌شود:

الف - سرمایه گذاری، مالکیت و مدیریت در فعالیت‌های گروه یک ماده (۲) این قانون منحصراً در اختیار بخش غیردولتی است.

ب - سرمایه گذاری، مالکیت و مدیریت در فعالیت‌های گروه دو ماده (۲) این قانون برای بخش‌های خصوصی، تعاونی و مؤسسات عمومی غیر دولتی مجاز است.

ج - فعالیت بخش‌های خصوصی و تعاونی و عمومی غیردولتی در موارد مشمول گروه سه ماده (۲) این قانون با رعایت تبصره (۸) بند «ج» ماده (۳) این قانون مجاز است

ماده ۵: بانک‌های غیر دولتی و مؤسسات مالی و اعتباری و سایر بنگاه‌های واسطه پولی که قبل و بعد از تصویب این قانون تأسیس شده یا می‌شوند و بانک‌های دولتی که سهام آن‌ها واگذار می‌شود صرفاً در قالب شرکت‌های سهامی عام و تعاونی سهامی عام مجاز به فعالیت هستند. سقف مجاز تملک سهام به طور مستقیم یا غیر مستقیم برای هر شرکت سهامی عام یا

تعاونی سهامی عام یا هر مؤسسه و نهاد عمومی غیر دولتی ده درصد و برای اشخاص حقیقی و سایر اشخاص حقوقی پنج درصد تعیین می‌شود. معاملات بیش از سقف‌های مجاز در این ماده توسط هر یک از اشخاص مذکور باطل و ملغی‌الآثر است. افزایش سقف سهم مجاز از طریق ارث نیز مشمول این حکم است و وراثت و یا اولیاء قانونی آنها ملزم به فروش مازاد بر سقف، ظرف مدت دو ماه پس از صدور گواهی حصر وراثت خواهند بود. افزایش قهری سقف مجاز سهام به هر طریق دیگر باید ظرف مدت سه ماه به سقف‌های مجاز این ماده کاهش یابد.

ماده ۱۴ : عملیات واگذاری توسط دولت باید به نحوی انجام گیرد که حداکثر تا پایان سال ۱۳۹۳ کلیه واگذاری‌ها خاتمه یابد.

ماده ۱۶ : به منظور حمایت از نیروی انسانی، حفظ سطح اشتغال و استمرار تولید در بنگاه‌های مشمول واگذاری، هیأت واگذاری مکلف است کلیه کارکنان هر شرکت را پیش از واگذاری، در برابر بیکاری بیمه نماید و به تناسب اقدامات زیر را انجام دهد:

- ۱- بازنشستگی پیش از موعد که براساس مواد (۹) قانون بازسازی و نوسازی صنایع مصوب ۱۳۸۵/۰۵/۲۶ برای این بنگاه‌ها تا پایان سال ۱۳۹۳ تمدید می‌گردد.
- ۲- بازخرید بر اساس توافق.
- ۳- پس از اقدامات فوق، تعداد کارکنان هر شرکت قابل واگذاری را در سند واگذاری ثبت و این شرط را در شرایط واگذاری بگنجانند که مدیران شرکت‌های واگذار شده تا پنج سال حق کاهش تعداد کارکنان خویش را ندارند.
- ۴- برای خریداران شرکت‌هایی که حاضر باشند تعداد کارکنان شرکت را پس از واگذاری افزایش دهند مشوق‌های مالی و یا غیر مالی از جمله تخفیف در اصل قیمت اعلام نماید.
- ۵- آموزش و به کارگیری نیروی مازاد در واحدهای دیگر راساً و یا به کمک خریداران بنگاه‌ها با استفاده از مشوق‌های مالی و غیر مالی

ماده ۱۷ : کلیه دستگاه‌های دولتی موضوع ماده (۱۶) این قانون مکلفند ظرف شش ماه از تصویب این قانون کلیه بنگاه‌های دولتی مشمول گروه‌های (۱) و (۲) ماده (۲) این قانون را در هر بازار بر اساس عواملی از جمله اندازه شرکت، فن آوری، وضعیت مالی، روابط صنعتی و میزان

حساسیت مصرف کننده نسبت به محصول تولیدی شرکت طبقه بندی نموده و فهرست شرکت‌ها و حقوق و دارایی‌های مصرح در تبصره (۱) ماده (۳) این قانون، پیشنهاد واگذاری آن‌ها را به همراه تعداد نیروی انسانی، فهرست اموال منقول و غیرمنقول، کلیه اطلاعات و مدارک لازم و آخرین صورت‌های مالی حسابرسی شده را به وزارت امور اقتصادی و دارایی ارائه نمایند.

ماده ۱۹: هیأت واگذاری مجاز است حسب شرایط متناسب با مفاد این ماده از کلیه روش‌های ممکن برای واگذاری بنگاه‌ها و مالکیت (اجاره به شرط تملیک، فروش تمام یا بخشی از سهام، واگذاری اموال) و واگذاری مدیریت (اجاره، پیمانکاری عمومی و پیمان مدیریت)، تجزیه، واگذاری، انحلال و ادغام شرکت‌ها حسب مورد به شرح ذیل استفاده نماید.

الف) واگذاری: در مواردی که شرایط واگذاری از هر جهت آماده است، هیأت واگذاری رأی به واگذاری می‌دهد.

ب) بازسازی ساختاری: در مواردی که مقدمات واگذاری بنگاه فراهم نباشد ولی با انجام اصلاحات ساختاری بنگاه قابل واگذاری می‌شود، وزارت امور اقتصادی و دارایی در چهارچوبی که هیأت واگذاری مشخص می‌کند، بنگاه را حداکثر ظرف یک سال بازسازی ساختاری نماید. دوره بازسازی ساختاری در موارد خاص قابل تمدید است.

ج) تجزیه: در مواردی که واگذاری شرکت دولتی در چهارچوب قانون موجب انتقال موقعیت انحصاری شرکت دولتی به بخش‌های غیردولتی می‌شود، هیأت واگذاری می‌تواند در جهت کاهش سهم بازار بنگاه قابل واگذاری یا افزایش بهره‌وری آن، نسبت به تفکیک و تجزیه شرکت اتخاذ تصمیم نماید و سپس حکم به واگذاری شرکت دهد.

د) ادغام: دولت می‌تواند چند شرکت قابل واگذاری دولتی را درهم ادغام کند و سپس به وزارت امور اقتصادی و دارایی اجازه دهد نسبت به واگذاری آن اقدام نماید.

ه) تحصیل: دولت می‌تواند سهام چند شرکت قابل واگذاری (تحصیل شونده) را بدون محو شخصیت حقوقی هر کدام به یک شرکت قابل واگذاری دیگر (تحصیل کننده) منتقل کرده و سپس به وزارت امور اقتصادی و دارایی اجازه دهد نسبت به واگذاری شرکت تحصیل کننده اقدام نماید.

و) انحلال: در مواردی که بازسازی ساختاری بنگاه قابل واگذاری مقدور نباشد و پس از سه بار آگهی، واگذاری شرکت ممکن نگردد، یا ارزش خالص دارایی‌های شرکت منفی باشد و یا به هر دلیل موجه انحلال آن مناسب تشخیص داده شود، هیأت واگذاری می‌تواند رأی به انحلال شرکت دهد.

ز) هبه یا صلح غیرمعوض: در چهارچوب مجوزهای قانونی، دولت می‌تواند نسبت به هبه و یا صلح غیرمعوض شرکت‌های دولتی موضوع گروه دو ماده ۲ این قانون که غیرقابل عرضه در بورس باشند به مؤسسات عمومی غیردولتی مشروط بر این که شرکت مورد واگذاری در چهارچوب وظایف مؤسسه مذکور باشد، تصمیم‌گیری نماید. آئین‌نامه اجرائی این ماده مشترکاً توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تهیه و ظرف شش ماه به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

ماده ۱: بر طبق این ماده با توجه به گستردگی طبقه بندی فعالیت‌های مذکور در گروه ۱ ماده ۱، واگذاری تشخیص و انطباق این طبقه بندی به وزارت امور اقتصادی و دارایی دارای ابهام است.

آسیب شناسی :

عدم اشرافیت و تخصص وزارت امور اقتصادی و دارایی در تشخیص و انطباق طبقه بندی مذکور در ماده ۱ را بیان می‌دارد و قرار گیری شرکت ماشین سازی تبریز بیانگر این موضوع می‌باشد.

مثال :

با توجه به این که محصولات تولیدی شرکت ماشین سازی تبریز در زمره محصولات استراتژیک محسوب می‌شود و همچنین انحصاری بودن محصولات تولیدی این شرکت بعد از خصوصی سازی موجب منع رقابت و تسهیل انحصار در تولید این محصولات در کشور می‌شود.

ماده ۶

مجری قانون مذکور وزارت امور اقتصادی و دارایی می‌باشد مضاف بر اینکه در تبصره (۶) این ماده وظیفه نظارت بر حسن اجرای مجری قانون همین وزارت خانه می‌باشد و موظف است در صورت مشاهده موارد مغایر آن را به شورای عالی اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جهت اتخاذ تصمیم اعلام نماید

آسیب شناسی :

. تعارض منافع در قانون مذکور وجود دارد که مانع از اجرای صحیح قانون گردیده است. واگذاری شرکت ماشین سازی تبریز در سال ۹۹ به سازمان تامین اجتماعی حاصل این تعارض منافع است.

ماده ۱۶

با توجه به تبصره (۱) و (۱) ماده (۱۶) اعمال مشوق‌های مالی و غیر مالی با پیشنهاد هیات واگذاری به تصویب شورای عالی اجرا سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی خواهد بود که منوط به ارائه برنامه کتبی خود برای حفظ سطح اشتغال و بازآموزی کارکنان بنگاه‌ها بوده است

آسیب شناسی :

با توجه به این که وزارت امور اقتصادی و دارایی ذیل این ماده، مجری و نهاد ناظر بر حسن اجرای ماده مذکور تعیین گردیده است که دچار نوعی از تعارض منافع به نام اتحاد ناظر و منظور است

مثال :

در واگذاری شرکت کشت و صنعت مغان و کشت و صنعت نیشکر هفت تپه مجموعاً ۸۳۳۷ میلیارد ریال تخفیف و مشوق مالی در نظر گرفته شده است که ارائه چنین تخفیفی بدون ارائه

برنامه فنی خریدار، گزارش توجیهی سازمان خصوصی سازی و ملاحظات مندرج در گزارش کارشناس قیمت گذاری سهام شرکت‌ها صورت پذیرفته است

ماده ۱۷

در ذیل ماده (۱۸)، ۳ نهاد مکلف به اجرای صحیح این ماده مشخص گردیده‌اند:

- دستگاه‌های دولتی
- هیئت مدیره، مدیرعامل و سایر مدیران شرکت‌های مشمول واگذاری
- سازمان خصوصی سازی

آسیب شناسی :

وظیفه بررسی و تطبیق اطلاعات و مدارک و صورت‌های مالی ارائه شده از سوی مدیران شرکت‌ها و دستگاه‌های اجرایی ذیل این ماده بر عهده سازمان خصوصی سازی بوده است، که عدم بررسی موارد فوق باعث بروز تخلف در واگذاری شرکت‌ها گردیده است.

مثال :

هیپکوی اراک: وظیفه سازمان خصوصی سازی وظیفه بررسی صحت اطلاعات ارائه شده از سوی وزارت خانه‌ها و مسئولان شرکت‌ها را داشته که ترک فعل صورت پذیرفته است.

ماده ۱۸ :

در ماده مذکور کلیه حقوق مرتبط با اعمال مالکین بنگاه‌ها به وزارت امور اقتصادی و دارایی محول شده است و همچنین تصویب واگذاری، هرگونه نقل و انتقال در دارائی‌های ثابت بدون مجوز از وزارت مذکور جرم تلقی شده است.

آسیب شناسی :

با توجه به گستردگی و تنوع فعالیت‌های شرکت‌های مشمول واگذاری ذیل اصل ۴۴ قانون اساسی و نتایج حاصل از اعمال حقوق مالکیت وزارت امور اقتصادی و دارائی در این شرکت‌ها، منجر به بروز اشکالات عدیده در قیمت گذاری و واگذاری شرکت‌های آلومینیوم المهدی، کشت و صنعت

مغان، ماشین سازی تبریز، پالایشگاه کرمانشاه، ایران ایرتور، هپکو اراک، هفت تپه گردیده است. که بیانگر عدم صلاحیت این وزارت خانه برای اعمال حقوق مالکیت و مدیریت این شرکتها می باشد

اهم این اعمال محدودیتها را میتوان به صورت زیر بیان نمود:

- ممانعت از انعقاد قراردادهای بیش از یک سال برای تمامی شرکتها
- ممانعت از دریافت تسهیلات بانکی برای احیاء شرایط تولیدی شرکت هفا
- عموماً شرکتها قبل از انتقال مالکیت به وزارت امور اقتصادی و دارائی سود ده بوده اند که این انتقال موجب زیان ده شدن شرکتها گشته است که در قیمت گذاری واگذاریها این زیان ده بودن تاثیر بسزایی را داشته است
- در زمان انتقال اعمال مالکیت به وزارت امور اقتصادی و دارائی بلا تکلیفی گسترده ای در مدیریت تمام شرکتها نمایان شده است
- عدم نوسازی خطوط تولید شرکتها موجب کاهش سطح تولید شده و نهایتاً موجب زیان انباشته گشته
- با توجه به اینکه واگذاری شرکت ماشین سازی تبریز ۱۶ سال به طول انجامیده است، این بلا تکلیفی هر شرکت سود ده را زمین گیر می کند که عدم تمایل مدیران سازمان خصوصی سازی برای احیا شرکتها را بیان می کند

ماده ۱۹:

قانون گذار در این ماده به هیأت واگذاری اجازه داده است تا حسب شرایط متناسب با این ماده از کلیه روشهای ممکن برای واگذاری استفاده نماید. اما منوط بر این که شرایط واگذاری از هر جهت برای شرکت آماده باشد.

آسیب شناسی :

در روش‌های واگذاری ذکر شده ذیل این ماده مواردی چون واگذاری اموال، واگذاری مدیریت نیز ذکر گردیده که سازمان خصوصی سازی صرفاً اقدام به واگذاری سهام بلوکی شرکت‌ها نموده است که نتایج هیچ یک از واگذاری‌ها اهداف خصوصی سازی‌ها را دنبال نمی‌نماید.

ماده ۲۰ :

در این ماده قانون گذار اولویت روش واگذاری را به ترتیب

- ۱- عرضه عمومی در بورس‌های داخلی و خارجی
- ۲- عرضه سهام بلوکی از طریق مزایده عمومی در بازارهای داخلی و خارجی
- ۳- عرضه سهام بلوکی از طریق مذاکره مشخص نموده است

آسیب شناسی :

با توجه به مهیا بود شرایط واگذاری شرکت هپکو اراک جهت عرضه عمومی در سازمان بورس اوراق بهادار، اما سازمان خصوصی سازی اقدام به عرضه سهام بلوکی از طریق مزایده نموده است که موجب تضییع حقوق بیت المال گردیده است.

ماده ۲۱ :

یکی از مهم ترین ماده‌ها قانون اجرایی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ می‌باشد که تعیین کننده موارد زیر است:

- (۱) قیمت گذاری بنگاه‌های دولتی
- (۲) زمان بندی مناسب
- (۳) روش انتخاب مشتریان استراتژیک
- (۴) رعایت قانون مناقصات و معاملات دولتی در تمامی واگذاری‌ها

آسیب شناسی :

ارزش گذاری شرکت توسط کارشناسان در سال ۹۳، ۱۷۲۹۳۳ میلیارد ریال بوده که در قرارداد واگذاری مقرر گردید خریدار مبلغ ۸۲۷۹۲ میلیارد ریال از ثمن معامله را به جای واریز به حساب دولت به طلب کار ایمیدرو (از بابت بدهی طرح هرمزال) بپردازد البته شایان ذکر است که بدهی هرمزال در گزارش کارشناسان قید گردیده و در قیمت گذاری لحاظ شده بود، معلهذا پرداخت بدهی ایمیدرو در قرارداد به صورت شفاف ذکر نگردیده تا خریدار ملزم به پرداخت آن مبلغ گردد همچنین هیچ تعهدی در بندهای قرارداد در رابطه با دیر کرد عدم پرداخت بدهی مذکور به بانک ایتالیایی یونی کریدیت وجود ندارد با این وجود مابقی ثمن معامله در گزارش سازمان خصوصی سازی ۹۲۱۴۱ میلیارد ریال بیان شده اما در قرارداد واگذاری کل ثمن معامله با احتساب سود دوره بازپرداخت ۱۱ ساله بالغ بر ۴۲۵۱۴ میلیارد ریال ذکر گردیده

سازمان خصوصی سازی نه تنها در جهت توقف فرایند برگزاری مزایده اقدامی نکرده‌اند بلکه در مرحله اول از طریق بازگشایی پاکت مزایده، اعلام برنده و دریافت حصه نقدی، سعی بر مقابله با موضوع هشدار سازمان بازرسی کل کشور از طریق عمل انجام شده داشته‌اند و در ادامه نیز از طریق تعدیل کاهنده ارزش اموال و ماشین الات هرمزال، عدم احتساب دارایی‌های جاری هرمزال عدم احتساب ارزش ضایعات، در نظر گرفتن استمهال یک ساله در پرداخت اقساط عدم دریافت حصه نقدی مبلغ اضافه شده ناشی از تجدید ارزیابی و ارائه گزارش خلاف واقع و همچنین مخدوش نمودن مکاتبات اداری سعی بر انجام اقدامات جانبدارانه در واگذاری موضوع مزایده به نفع خریدار را داشته است.

ماده ۲۵ :

در این ماده سازمان خصوصی سازی زمانی مجاز به اعمال تخفیف در اصل قیمت یا کاهش سود فروش اقساطی یا تمدید دوره فروش اقساطی است که خریدار متعهد به سرمایه گذاری در شرکت، ارتقا کارایی و بهره وری شرکت، تداوم تولید و ارتقاء سطح آن و افزایش یا تثبیت سطح اشتغال در بنگاه باشد و همچنین بعد از واگذاری به این تعهدها نیز پایبند باشد

آسیب شناسی :

شرکت‌های آلومینیوم المهدی: اخراج ۳۵۵ نفر از نیروی کار بعد از واگذاری و کاهش توان تولید به ۳۵٪ ظرفیت شرکت
 کشت و صنعت مغان: تخفیف ۳۳٪ نسبت به قیمت کار شناسی ۶۵۵۵ میلیارد ریال
 ماشین سازی تبریز: فروش به قیمت سال ۹۴ در سال ۹۸ با توجه به تورم سالیانه ۱۵ درصد
 حدوداً ۳۵۵۵ میلیارد ریال تخفیف داشته است.

ماده ۲۹ :

قانون گذار در این ماده محل تجمیع درآمدهای حاصل از واگذاری‌ها را به حساب خاصی نزد خزانه داری کل کشور تعیین کرده است، و موارد مصرف آن وجوه را تعیین نموده که اصلی ترین مورد آن: بازسازی ساختاری، تعدیل نیروی انسانی و آماده سازی بنگاه‌ها جهت واگذاری می‌باشد

آسیب شناسی :

با توجه به شرایط شرکت‌های کشت و صنعت مغان، ماشین سازی تبریز، پالایشگاه کرمانشاه، ایران ایرتور، هپکو اراک، هفت تپه که در متن گزارش به تفصیل قید گردیده نیازمند تامین بودجه برای اسلح ساختارها و توانمند سازی مالی برای افزایش سطح تولید و به روزرسانی خطوط تولید بوده که نهایتاً منجر به بهبود شرایط اقتصادی شرکت‌ها می‌انجامد که نقض این قانون منجر به تضییع حقوق بیت المال گردیده است.

ماده ۴۰ :

در متن این ماده وظایف هیأت واگذاری را تعیین نموده که اهم این وظایف به شرح زیر است:

- ۱- تصویب قیمت واگذاری بنگاه‌ها
- ۲- تصویب فهرست برنامه زمان بندی، اقدام، روش، میزان و سایر شرایط واگذاری
- ۳- تصویب دستورالعمل مربوط به ویژگی‌های لازم و نحوه انتخاب مدیران و متخصصان در موارد واگذاری از طریق مذاکره با رعایت مفاد ایم قانون.

آسیب شناسی :

در واگذاری شرکت‌های کشت و صنعت مغان، ماشین سازی تبریز، پالایشگاه کرمانشاه، ایران ایرتور، هپکو اراک، هفت تپه قیمت واگذاری، نحوه انتخاب مدیران و متخصصان و سایر شرایط واگذاری متناسب با اهداف سیاست‌های ابلاغی نبوده و منجر به بروز تخلفات گسترده‌ای در واگذاری‌ها گردیده است.

ماده ۴۴ :

قانون گذار در فصل نهم این قانون به شرایط تسهیل رقابت و منع انحصار پرداخته است که در این ماده هرگونه تبانی، توافق و تفاهم که نتیجه آن بتواند اخلال در رقابت باشد را ممنوع کرده.

آسیب شناسی :

در این زمینه دولت نهم با توجه به تحریم‌های نظام استکبار برای بازگرداندن وجوه حاصل از فروش نفت خام اقدام به واردات ماشین آلات راه سازی مشابه تولیدات شرکت هپکو از مبدا چین با تعرفه صفر گمرکی نموده است.

ماده ۴۵ :

اعمال منجر به اخلال در رقابت را مشخص، ممنوع نموده:

الف) قیمت گذاری تبعیض آمیز: عرضه و یا تقاضای کالای یا خدمات مشابه به قیمت‌هایی که حاکی از تبعیض بین دو یا چند طرف معامله و یا تبعیض قیمت بین مناطق مختلف به رغم یکسان بودن شرایط معامله و هزینه‌های حمل و نقل و سایر هزینه‌های جانبی آن باشد

ب) قیمت گذاری تهاجمی: عرضه کالا یا خدماتی به قیمت پایین تر از هزینه تمام شده آن به نحوی که لطمه جدی به دیگران وارد کند یا مانع ورود شخص جدید به بازار شود

آسیب شناسی :

در این ارتباط دولت نهم با وضع تعرفه گمرکی ۵٪ برای واردات شکر سفید ضربه جدی به شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه وارد ساخت که اصلی ترین عامل ورشکستگی این شرکت شد.

ماده ۴۵ :

قانون گذار در این ماده بیان کرده که هیچ شخص حقیقی و حقوقی نباید سرمایه یا سهام شرکتها یا بنگاههای دیگر را بنحوی تملک کند که موجب اخلاص در رقابت در یک یا چند بازار گردد.

آسیب شناسی :

با توجه به این که شرکت ماشین سازی تبریز ماشین آلات استراتژیک و انحصاری تولید می نمود و شرکت آلومینیوم المهدی نیز آلومینیوم بیش از ۳۵٪ این صنعت را در کشور تامین می نماید واگذاری این شرکتها به به بخش خصوصی خاص (دو خانواده) موجب انحصار در بخش های مذکور گردیده که وفق ماده ۴۹ این قانون سازمان خصوصی سازی باید از شورای رقابت کسب تکلیف می نمود که موجب ایجاد انحصار گردیده است.

ترک فعل نهادها و سازمان‌های نظارتی:

۱. ماده ۶

— **عناوین ترک فعل:** وظیفه بررسی و تطبیق اطلاعات و مدارک و صورت‌های مالی ارائه شده از سوی مدیران شرکت‌ها و دستگاه‌های اجرایی ذیل این ماده بر عهده سازمان خصوصی سازی بوده است

— نهادهای مرتبط:

- دستگاه‌های دولتی
- هیئت مدیره، مدیرعامل و سایر مدیران شرکت‌های مشمول واگذاری
- سازمان خصوصی سازی

— **برخی از پیامدهای ترک فعل:** هیکوی اراک: سازمان خصوصی سازی وظیفه بررسی صحت اطلاعات ارائه شده از سوی وزارت خانه‌ها و مسئولان شرکت‌ها را داشته که ترک فعل صورت پذیرفته است.

۲. ماده ۸

— **عناوین ترک فعل:** در ماده مذکور کلیه حقوق مرتبط با اعمال مالکین بنگاه‌ها به وزارت امور اقتصادی و دارائی محول شده است

— **نهادهای مرتبط:** وزارت اقتصاد و امور دارایی

– برخی از پیامدهای ترک فعل: با توجه به گستردگی و تنوع فعالیت‌های شرکت‌های مشمول واگذاری ذیل اصل ۴۴ قانون اساسی و نتایج حاصل از اعمال حقوق مالکیت وزارت امور اقتصادی و دارائی در این شرکت‌ها، منجر به بروز اشکالات عدیده در قیمت گذاری و واگذاری گردیده است.

۳. ماده ۱۹

– عناوین ترک فعل: قانون گذار در این ماده به هیأت واگذاری اجازه داده است تا حسب شرایط متناسب با این ماه از کلیه روش‌های ممکن برای واگذاری استفاده نماید. اما منوط بر این که شرایط واگذاری از هر جهت برای شرکت آماده باشد.

– نهادهای مرتبط: سازمان خصوصی سازی

– برخی از پیامدهای ترک فعل: در روش‌های واگذاری ذکر شده ذیل این ماده مواردی چون واگذاری اموال، واگذاری مدیریت نیز ذکر گردیده که سازمان خصوصی سازی صرفاً اقدام به واگذاری سهام بلوکی شرکت‌ها نموده است که نتایج هیچ یک از واگذاری‌ها اهداف خصوصی سازی‌ها را دنبال نمی‌نماید.

۴. ماده ۲۰

– عناوین ترک فعل: در این ماده قانون گذار اولویت روش واگذاری را به ترتیب

- عرضه عمومی در بورس‌های داخلی و خارجی
- عرضه سهام بلوکی از طریق مزایده عمومی در بازارهای داخلی و خارجی
- عرضه سهام بلوکی از طریق مذاکره مشخص نموده است

– نهادهای مرتبط: سازمان خصوصی سازی

– برخی از پیامدهای ترک فعل: با توجه به مهیا بودن شرایط واگذاری شرکت هپکو اراک جهت عرضه عمومی در سازمان بورس اوراق بهادار، اما سازمان خصوصی سازی اقدام به عرضه سهام بلوکی از طریق مزایده نموده است که موجب تضییع حقوق بیت المال گردیده است.

۵. ماده ۲۱

– عناوین ترک فعل: تعیین کننده موارد زیر است:

- قیمت گذاری بنگاه‌های دولتی
- زمان بندی مناسب
- روش انتخاب مشتریان استراتژیک
- رعایت قانون مناقصات و معاملات دولتی در تمامی واگذاری‌ها

– نهادهای مرتبط: سازمان خصوصی سازی

– برخی از پیامدهای ترک فعل: سازمان خصوصی سازی نه تنها در جهت توقف فرایند برگزاری مزایده اقدامی نکرده‌اند بلکه در مرحله اول از طریق بازگشایی پاکت مزایده، اعلام برنده و دریافت حصه نقدی، سعی بر مقابله با موضوع هشدار سازمان بازرسی کل کشور از طریق عمل انجام شده داشته‌اند و در ادامه نیز از طریق تعدیل کاهنده ارزش اموال و ماشین الات هرمزال، عدم احتساب دارایی‌های جاری هرمزال عدم احتساب ارزش ضایعات، در نظر گرفتن استمهال یک ساله در پرداخت اقساط عدم دریافت حصه نقدی مبلغ اضافه شده ناشی از تجدید ارزیابی و ارائه گزارش خلاف واقع و همچنین مخدوش نمودن مکاتبات اداری سعی بر انجام اقدامات جانبدارانه در واگذاری موضوع مزایده به نفع خریدار را داشته است.

۶. ماده ۲۵

— عناوین ترک فعل: در این ماده سازمان خصوصی سازی زمانی مجاز به اعمال تخفیف در اصل قیمت یا کاهش سود فروش اقساطی یا تمدید دوره فروش اقساطی است که خریدار متعهد به سرمایه گذاری در شرکت، ارتقا کارایی و بهره وری شرکت، تداوم تولید و ارتقاء سطح آن و افزایش یا تثبیت سطح اشتغال در بنگاه باشد و همچنین بعد از واگذاری به این تعهدها نیز پایبند باشد

— نهادهای مرتبط:

- سازمان خصوصی سازی
- وزارت اقتصاد

— برخی از پیامدهای ترک فعل:

- شرکت‌های آلومینیوم المهدی: اخراج ۳۵۵ نفر از نیروی کار بعد از واگذاری و کاهش توان تولید به ۳۵٪ ظرفیت شرکت
- کشت و صنعت مغان: تخفیف ۳۳٪ نسبت به قیمت کار شناسی ۶۵۵۵ میلیارد ریال

۲۹. ماده ۲۹

— عناوین ترک فعل: قانون گذار در این ماده محل تجمیع درآمدهای حاصل از واگذاری‌ها را به حساب خاصی نزد خزانه داری کل کشور تعیین کرده است، و موارد مصرف آن وجوه را تعیین نموده که اصلی ترین مورد آن: بازسازی ساختاری، تعدیل نیروی انسانی و آماده سازی بنگاه‌ها جهت واگذاری می‌باشد

— نهادهای مرتبط:

- وزارت اقتصاد
- سازمان برنامه و بودجه
- مجلس شورای اسلامی

— برخی از پیامدهای ترک فعل: با توجه به شرایط شرکت‌های کشت و صنعت مغان، ماشین سازی تبریز، پالایشگاه کرمانشاه، ایران ایرتور، هپکو اراک، هفت تپه که در متن گزارش به تفصیل قید گردیده نیازمند تامین بودجه برای اسلح ساختارها و توانمند سازی مالی برای افزایش سطح تولید و بروزرسانی خطوط تولید بوده که نهایتاً منجر به بهبود شرایط اقتصادی شرکت‌ها می‌انجامد که نقض این قانون منجر به تضییع حقوق بیت المال گردیده است.

۸. ماده ۴۰

— عناوین ترک فعل: در متن این ماده وظایف هیأت واگذاری را تعیین نموده که اهم این وظایف به شرح زیر است:

- تصویب قیمت واگذاری بنگاه‌ها
- تصویب فهرست برنامه زمان بندی، اقدام، روش، میزان و سایر شرایط واگذاری
- تصویب دستورالعمل مربوط به ویژگی‌های لازم و نحوه ی انتخاب مدیران و متخصصان در موارد واگذاری از طریق مذاکره با رعایت مفاد این قانون.

— نهادهای مرتبط: سازمان خصوصی سازی

— برخی از پیامدهای ترک فعل: در واگذاری شرکت‌های کشت و صنعت مغان، ماشین سازی تبریز، پالایشگاه کرمانشاه، ایران ایرتور، هپکو اراک، هفت تپه قیمت واگذاری، نحوه انتخاب مدیران و متخصصان و سایر شرایط واگذاری متناسب با اهداف سیاست‌های ابلاغی نبوده و منجر به بروز تخلفات گسترده‌ای در واگذاری‌ها گردیده است

۹. ماده ۴۴

— عناوین ترک فعل: قانون گذار در فصل نهم این قانون به شرایط تسهیل رقابت و منع انحصار پرداخته است که در این ماده هرگونه تبانی، توافقو تفاهم که نتیجه آن بتواند اخلال در رقابت باشد را ممنوع کرده.

— نهادهای مرتبط:

- وزارت اقتصاد
- سازمان برنامه و بودجه
- مجلس شورای اسلامی

— **برخی از پیامدهای ترک فعل:** در این زمینه دولت با توجه به تحریم‌های نظام استکبار برای بازگرداندن وجوه حاصل از فروش نفت خام اقدام به واردات ماشین آلات راه سازی مشابه تولیدات شرکت هپکو از مبدا چین با تعرفه صفر گمرکی نموده است.

۱۰. ماده ۴۵

— **عناوین ترک فعل:** اعمال منجر به اخلال در رقابت را مشخص و ممنوع نموده:

- قیمت گذاری تبعیض آمیز: عرضه و یا تقاضای کالای یا خدمات مشابه به قیمت‌هایی که حاکی از تبعیض بین دو یا چند طرف معامله و یا تبعیض قیمت بین مناطق مختلف به رغم یکسان بودن شرایط معامله و هزینه‌های حمل و نقل و سایر هزینه‌های جانبی آن باشد
- قیمت گذاری تهاجمی: عرضه کالا یا خدماتی به قیمت پایین تر از هزینه تمام شده آن به نحوی که لطمه جدی به دیگران وارد کند یا مانع ورود شخص جدید به بازار شود

— نهادهای مرتبط:

- وزارت اقتصاد

- وزارت صمت

- برخی از پیامدهای ترک فعل: در این ارتباط دولت نهم با وضع تعرفه گمرکی ۵٪ برای واردات شکر سفید ضربه جدی با شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه وارد ساخت که اصلی ترین عامل ورشکستگی این شرکت شد.

۱۱. سیاست‌های ابلاغی

- عناوین ترک فعل: در سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری مجمع تشخیص مصلحت نظام مهمترین نهاد ناظر بر حسن اجرا و همچنین پایش اصلاح قانون اصل ۴۴ می‌باشد

- نهادهای مرتبط: مجمع تشخیص مصلحت نظام

- برخی از پیامدهای ترک فعل: با گذشت بیش از ۱۵ سال عملکرد مطلوبی در این زمینه نداشته است

۱۲. عدم نظارت

- عناوین ترک فعل: مجلس نیز با توجه به این که قدرت نظارت بر کل شریان خصوصی سازی را دارد و همچنین به صورت مستمر ۲ نفر ناظر در هیئت واگذاری داشته است

- نهادهای مرتبط: مجلس شورای اسلامی

- برخی از پیامدهای ترک فعل: عملکرد قابل دفاعی از نظارت خود ندارد

۱۳. ماده ۳۲

- عناوین ترک فعل: قوه قضائیه موظف به ایجاد شعبه خاص برای رسیدگی به تخلفات و جرائم ناشی از اجراء این قانون بوده است

— نهادهای مرتبط: قوه قضائیه

— **برخی از پیامدهای ترک فعل:** با گذشت چندین سال این شعبه برای رسیدگی به تخلفات و جرایم ایجاد نشده است و همچنین مطلوب است قوه قضائیه لایحه رسیدگی به تخلفات و جرائم موضوع این قانون را به مجلس شورای اسلامی ارائه نماید.

۱۴. پایش اتاقها

— **عناوین ترک فعل:** اتاقها موظفند با تاسیس واحد پایش و پیگیری اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی گزارشهای منظم به شورای عالی اجرای سیاستها کلی اصل ۴۴ تقدیم نمایند.

— نهادهای مرتبط:

- اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران
- اتاق تعاون

— **برخی از پیامدهای ترک فعل:** این مهم تحقق نیافته است

۱۵. سیاستهای ابلاغی

— **عناوین ترک فعل:** در سیاستهای ابلاغی مقام معظم رهبری مجمع تشخیص مصلحت موظف گردیده گزارش عملکرد سالیانه از فرآیند اجرایی این سیاستها را انتشار نماید

— نهادهای مرتبط: مجمع تشخیص مصلحت نظام

— **برخی از پیامدهای ترک فعل:** تا کنون هیچ گزارشی منتشر نشده است

کشت و صنعت مغان

شرکت ملی کشت و صنعت و دامپروری مغان در سال ۱۳۵۳ با سرمایه اولیه ۷۰۰ میلیون تومان (معادل ۱۰۰ میلیون دلار در زمان مذکور) تأسیس شد. به گفته مقامات وزارت جهاد کشاورزی این شرکت بزرگ ترین مجتمع کشت و صنعت کشور و وسیع ترین بنگاه اقتصادی خاورمیانه بوده به طوری که مساحت بخشی از زمین‌های زراعی این شرکت حتی از وسعت شهر اهواز نیز بیشتر است.

بر اساس گزارش‌های سالانه شرکت کشت و صنعت مغان، میزان محصولات تولیدی این مجموعه، سالانه بیش از ۲۳۶ هزار تن بوده که حدود ۰.۵ درصد کل زنجیره غذایی کشور را تشکیل می‌دهد. علاوه بر این، حقایق کشت و صنعت مغان، سالانه حدود ۲۴۰ میلیون متر مکعب (معادل ۱۲۰ روز آب شرب شهر تهران) است.

در سال ۱۳۹۶، قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی شامل شرکت بزرگ کشت و صنعت و دامپروری مغان شد و خصوصی‌سازی این بنگاه اقتصادی در دستور کار دولت دوازدهم قرار گرفت. این شرکت عظیم به همراه هزاران هکتار زمین حاصل خیز آن، با ارزش بیش از ۴ هزار میلیارد تومان نهایتاً به ۴۶ درصد قیمت یعنی هزار و ۸۴۰ میلیارد تومان واگذار شد و جالب تر آنکه این واگذاری به صورت اقساط ۹ ساله با دو سال تنفس و سود ۱۰ درصدی و تنها با آورده نقدی ۱۰۰ میلیارد تومانی انجام گرفته بود.

نتایج بررسی‌های روند واگذاری دلالت بر عدم بررسی کارشناسی توسط وزارت جهاد کشاورزی نسبت به سطح فنآوری، اموال منقول و غیر منقول شرکت و صورت‌های مالی بوده است. که تأثیر مستقیم در تعیین قیمت مجموعه مذکور بشرح معروض در گزارش داشته است. مفاد ماده ۱۷ قانون اجرایی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، تأکید بر ارائه کامل اطلاعات از سوی دستگاه‌های دولتی در خصوص وضعیت شرکت مورد واگذاری به وزارت امور اقتصاد و دارایی دارد بر این اساس اندازه شرکت، فناوری، وضعیت مالی، روابط

صنعتی و میزان حساسیت مصرف کننده نسبت به محصول تولیدی شرکت باید طبقه بندی شده و فهرست دارائی‌های مطرح در تبصره ۱ ماده ۳ قانون مذکور آن‌ها می‌بایست به همراه تعداد نیروی انسانی، فهرست اموال منقول و غیر منقول، کلیه اطلاعات و مدارک لازم و آخرین صورت‌های مالی حسابرسی شده در اختیار وزارت امور اقتصاد و دارائی قرار می‌گرفت.

تخلفات در واگذاری کشت و صنعت مغان به بخش خصوصی:

به دنبال واریز وجه نقدی معامله توسط شرکت توسعه سرمایه تهران در تاریخ ۵ شهریور ۹۷ و استرداد سپرده‌های شرکت در مزایده نفر دوم و سوم رقابت توسط سازمان، به علت مخدوش شدن شرایط عمومی مزایده امکان رجوع به نفر دوم مزایده وجود نداشته است.

طبق تبصره ذیل ماده ۱۹ قانون کارشناسان رسمی دادگستری «در مواردی که انجام معاملات مستلزم تعیین قیمت عادلانه روز از طرف کارشناس رسمی است، نظریه اعلام شده حداکثر تا ۶ ماه از تاریخ صدور معتبر خواهد بود» در حالی که حد فاصل زمانی تاریخ ارزیابی یعنی یکم دی ماه ۹۶ تا تاریخ برگزاری مزایده یعنی ۲ مرداد ۹۷، هفت ماه بوده است که نقض کننده ماده فوق است.

به علت افزایش شدید قیمت‌ها در آغاز سال ۹۷ که از مصادیق "رویداد عمده" ذیل تبصره یک ماده فوق است، به ارزیابی صورت گرفته خدشه وارد شده و واگذاری به قیمت قبل از تورم، ضرر و زیان هنگفت به بیت‌المال را همراه داشته است.

با توجه به اختصاص ۶۰ درصد ارزش کارشناسی شده به اراضی (زراعی و باغات) و ارزش گذاری متوسط هر متر مربع ۳ هزار و ۵۰۰ تومان توسط کارشناس رسمی اراضی، دیوان محاسبات استان اردبیل قیمت اراضی موصوف را در بازه زمانی مورد نظر، بیش از دو برابر ارزیابی کرده است لذا ارزش سهام شرکت در زمان واگذاری حداقل ۴۰۰۰ میلیارد تومان برآورد شده است

طبق بند ۱ ماده ۴ آیین نامه شیوه‌های قیمت‌گذاری بنگاه‌ها، در صورت تصویب صورت‌های مالی جدید شرکت، اعتبار قیمت پایه از بین خواهد رفت لذا سازمان خصوصی سازی برای پیشگیری از این اتفاق، طی نامه‌ای از برگزاری مجمع عمومی جلوگیری کرده است.

بر اساس بررسی صورت‌های مالی، شرکت طی سال‌های ۹۰ تا ۹۴ سودده بوده است اما پس از این تاریخ با آغاز فرآیند واگذاری، زیان‌ده شده است که این امر زمینه واگذاری شرکت در خارج از بورس را فراهم کرده است همچنین در مجمع عمومی شرکت در تاریخ ۲۰ دی ماه سال ۸۸ واگذاری از طریق بورس به تصویب رسیده است.

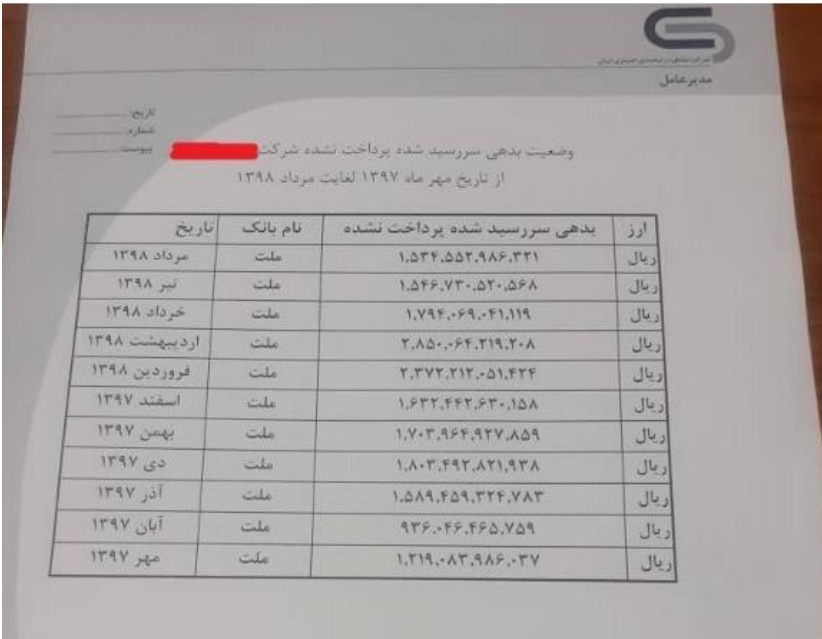
طبق ماده ۴ آیین‌نامه نظام اقساطی، حداقل میزان نقدی دریافتی برای قیمت‌های پایه بیشتر از ۱۰۰ میلیارد تومان، ۱۵ درصد تعیین شده است و حداکثر دوره اقساط ۸ سال و حداکثر دوره تنفس مجاز، یک سال اعلام شده است

اما در واگذاری این شرکت، هیچ یک از موارد فوق رعایت نشده بود؛ مقدار ثمن نقدی حدود ۵ درصد، دوره اقساط ۹ سال و میزان تنفس دو سال قید شده بود

بر اساس ماده ۱ دستورالعمل «روش انتخاب مشتریان استراتژیک...» مصوب ۲۵ مرداد ۹۳ کشت و صنعت مغان، استراتژیک محسوب شده و واگذاری آن به خریداران استراتژیک موضوع ماده ۳ آیین‌نامه که دارای شرایط «داشتن تخصص و توان مالی، اقتصادی، فنی یا حرفه‌ای متناسب با فعالیت بنگاه» است از ارجحیت برخوردار است که به این امر در فرآیند واگذاری توجهی نشده است.

اراضی شرکت کشت و صنعت مغان منطبق بر سند مالکیت، ۶۳ هزار و ۵۹۰ هکتار است که ۲۷ هزار و ۶۷۶ هکتار تحت اختیار شرکت مغان بوده و توسط کارشناسان کشاورزی مورد ارزیابی قیمت قرار گرفته است و مابقی اراضی داخل محدوده بوده اما لحاظ نشده است؛ شرکت نیز متعهد شده است صرفاً یک هزار و ۵۹۵ هکتار از اراضی را در اختیار شرکت شهرک‌های کشاورزی قرار دهد و نسبت به سایر محدوده تعهدی نداشته و در تملک شرکت باقی خواهد ماند لذا تکلیف اراضی مورد اختلاف در قرارداد واگذاری معین نشده است.

بخشی از بدهی‌های پرداخت نشده شرکت خریدار کشت و صنعت مغان :



تاریخ: _____
شماره: _____
موضوع: _____

وضعیت بدهی سررسید شده پرداخت نشده شرکت [REDACTED]
از تاریخ مهر ماه ۱۳۹۷ لغایت مرداد ۱۳۹۸

ارز	بدهی سررسید شده پرداخت نشده	نام بانک	تاریخ
ریال	۱,۵۳۴,۵۵۲,۹۸۶,۳۳۱	ملت	مرداد ۱۳۹۸
ریال	۱,۵۴۶,۷۳۰,۵۲۰,۵۶۸	ملت	تیر ۱۳۹۸
ریال	۱,۷۹۶,۰۶۹,۰۴۱,۱۱۹	ملت	خرداد ۱۳۹۸
ریال	۲,۸۵۰,۰۶۴,۳۱۹,۲۰۸	ملت	اردیبهشت ۱۳۹۸
ریال	۲,۳۷۲,۲۱۲,۰۵۱,۴۴۴	ملت	فروردین ۱۳۹۸
ریال	۱,۶۳۲,۴۴۲,۶۳۰,۱۵۸	ملت	اسفند ۱۳۹۷
ریال	۱,۷۰۳,۹۶۴,۹۲۷,۸۵۹	ملت	بهمن ۱۳۹۷
ریال	۱,۸۰۳,۴۹۲,۸۲۱,۹۳۸	ملت	دی ۱۳۹۷
ریال	۱,۵۸۹,۴۵۹,۳۲۴,۷۸۳	ملت	آذر ۱۳۹۷
ریال	۹۳۶,۰۴۶,۴۶۵,۷۵۹	ملت	آبان ۱۳۹۷
ریال	۱,۳۱۹,۰۸۳,۹۸۶,۰۳۷	ملت	مهر ۱۳۹۷

جالب اینجاست که در طول فرآیند واگذاری شرکت کشت و صنعت مغان، نهادهای نظارتی به صورت مکرر گزارش‌های خود را درباره تخلفات قانونی این واگذاری به سازمان خصوصی‌سازی ارائه کردند. اما به نظر می‌رسد که سازمان خصوصی‌سازی در آن دوران گوش شنوایی برای شنیدن تذکرات نهادهای نظارتی نداشته است.


واگذاری شرکت دشت مغان به شرکت خریدار پس از قرائت خلاصه گزارش تفریح بودجه سال ۱۳۹۶ در صحن علنی مجلس شورای اسلامی صورت گرفته است که طی آن صراحتاً به زبان بیت‌المال در پی فروش این شرکت به قیمت نازل اشاره شده است. این موضوع نیز نشان دهنده تخلف سازمان خصوصی‌سازی و عدم توجه به تذکرات دستگاه‌های نظارتی نظیر دیوان محاسبات است.

چند نکته تکمیلی پیرامون این واگذاری :

- در واگذاری کشت و صنعت مغان ۳۵ درصد از قیمت واگذاری تخفیف داده شده و طبق قانون باید گزارش فنی و اقتصادی ارائه می‌شد. اما این اختیار منوط به ارائه گزارشات جامع فنی و مالی است
- با توجه به ماده ۱۷ قانون مذکور وزارت جهاد کشاورزی مسئول شناسایی وجود ۸ کیلومتر از اراضی مرزی کشور در بین اراضی واگذار شده در قرارداد واگذاری شرکت کشت و صنعت مغان بوده که مغایر با مفاد بند ج ماده ۱۷ می‌باشد.
- عدم توانایی وزارت امور اقتصادی و دارایی در مدیریت این شرکت‌ها باعث گردید تا شرکت از انعقاد قراردادهای فروش تعهدآور بیش از یک سال منع گردد، همچنین سازمان خصوصی‌سازی طی نامه‌ای از بانک مرکزی خواستار عدم ارائه هرگونه تسهیلات مالی و پولی تا زمان واگذاری شرکت کشت و صنعت مغان را داده بود و همچنین عدم نوسازی شرکت که با این اقدامات عملاً این مجموعه استراتژیک و عظیم فریز گردید تا نهایتاً در گزارش‌های کارشناسان رسمی دادگستری این شرکت دارای زیان ۸۸ میلیارد ریال در ۹۵ گزارش گردید در صورتی که یکی از وظایف اصلی وزارت امور اقتصادی و دارایی طبق ماده ۱۸ آماده سازی شرکت‌ها برای واگذاری می‌باشد که موجب بروز زیان‌هایی گردیده که به نفع مصالح کشور نبوده است

مانده	شرح	ردیف
۳۴,۴۴۹	سود سال ۹۳	۱
۶۰,۶۱۴	سود سال ۹۴	۲
(۸۸,۴۵۴)	سود سال ۹۵	۳
۱,۶۵۲	سود مورد انتظار سال ۹۶	

- بعد از انتقال مالکیت شرکت کشت و صنعت مغان به وزارت امور اقتصادی و دارایی با مشکلات عدیده‌ای روبه رو گشت که نهایتاً برای جبران بدهی‌های جاری شرکت اقدام به فروش چوب درختان مثمر و غیر مثمر نمود است



مقام معظم رهبری در راستای افزایش ظرفیت اقتصاد ملی با استفاده از رویکرد بخش خصوصی در اقتصاد در کنار بهبود شاخصه‌های عدالت اجتماعی، سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی را ابلاغ فرمودند و در همین راستا تلاش برای تحقق سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی را به دلیل تقابل با خواست دشمنان در ضعیف نگه داشتن اقتصاد و در دست داشتن اهرم فشار اقتصادی نوعی جهاد خواندند و موفقیت در دستیابی به آن سیاست‌ها را انقلاب اقتصادی نام‌گذاری فرمودند و با روشن نمودن مسیر اقتصادی کشور، سیطره ۱۱ ساله دولت‌ها در ایران از انحصار اقتصادی که نیازمند مهندسی مجدد است و همچنین باز تعریف نوینی از ساختارهای اقتصادی را آشکار نمودند.